

فهم مردان و مردانگی:

به سوی ایجاد روابط برابر جنسیتی
در جامعه افغانستان

منزه ابتکار

قوس ۱۳۹۹

واحد تحقیق
و ارزیابی
افغانستان



تحقیق برای افغانستان بهتر



میاخان، یک پدر افغان است که ۱۲ کیلومتر فاصله را با
موتورسایکل می پیماید تا دخترانش را به مکتب برساند و بیش از
چهار ساعت منتظر می ماند تا دخترانش از مکتب رخصت شده و
آن ها را به خانه برساند.



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
مطالعه موردی

فهم مردان و مردانگی: به سوی ایجاد روابط برابر جنسیتی در جامعه افغانستان

منزه ابتکار

قوس ۱۳۹۹

نویسنده: منزه ابتکار
مترجم: عزیزالله اسفندیاری
عکس روی جلد: بی بی سی افغانستان
شماره استندرد بین المللی کتاب: ۶۲۴-۶۴۱-۹۹۳۶-۹۷۸
کد نشریه: ۲۰۱۵ د

© ۲۰۲۰ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان. تمام حقوق محفوظ است. تهیه شده در افغانستان.

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل و قول استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات AREU, اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان، سازمان ملل و دیگر نهادهای همکار نمی باشد. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی AREU (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در بالا مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی به صورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) +۹۳ اخذ گردد.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک نهاد غیر انتفاعی در وزارت اقتصاد ثبت گردید. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحیث یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده سوم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن (Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), Central Asia Regional Economic Cooperation Institute (CAREC), The Foundation to Promote Open Society (FPOS), The Aga Khan University (AKU), The Royal United Services Institute (RUSI), Institute for Integrated Transitions (IFIT), and UN Women.

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا می باشد:

The RESOLVE Network, Global Challenge Research Fund (GCRF), The School of Oriental and African Studies (SOAS), Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tanks Network (ATTN), and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC), Sustainable Development Solutions Network (SDSN).

در مورد نویسنده

منزه ابتکار کاندید دکترا در کالج سنت جان پوهنتون آکسفورد است. موضوع تیزس دکترای وی مطالعه تاریخی و قوم نگارانه جنگ و خاطره در افغانستان است. خانم ابتکار دارای مدرک ماستری فلسفه در رشته مطالعات مدرن خاور میانه از پوهنتون آکسفورد است.

پیشگفتار

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان خرسند است که گزارش مهم مطالعه موردی 'فهم مردان و مردانگی': به سوی ایجاد روابط برابر جنسیتی در جامعه افغانستان' را به خوانندگان گرامی تقدیم می کند. این مقاله با حمایت مالی سخاوتمندانه اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان (UN Women) تهیه شده است.

مقاله کنونی به این موضوع می پردازد که مردان افغان از گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، قومی-زبانی و سنی تحت تاثیر تغییرات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی چگونه مردانگی را به چالش می کشند و آن را بازتعریف می کنند. ما قویا باور داریم که فهم مردانگی متنوع و در حال تغییر و درک مردانی که با نفی مردانگی هژمونیک در صدد ایجاد روابط عادلانه‌تر جنسیتی اند، می تواند به طراحی و اجرای ابتکارهای واقع‌بینانه و مؤثر برای رفع نابرابری جنسیتی در افغانستان کمک کند.

این مقاله بر اساس مطالعه موردی پنج مرد افغان تدوین شده است که دارای موقعیت‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی، خاستگاه متفاوت قومی-زبانی، گروه‌های متنوع سنی و موقعیت‌های گوناگون جغرافیایی در افغانستان است. تمام مطالعات موردی از میان ۱۸ مصاحبه سرگذشت نویسی انتخاب شده است که در سال ۲۰۱۶ به عنوان بخشی از کار مشترک واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و سازمان پروموندو انجام شده بود.

مقاله، چندین موضوع را برای اجرای تحقیق بیشتر پیشنهاد می کند، و توصیه می کند که سهم‌گیری مثبت و مشترک والدین در تربیت کودک می‌تواند تأثیرات ماندگاری بر چگونگی جامعه‌پذیری دختر و پسر داشته باشد. تعامل مثبت پدر با فرزند باید به صورت جدی تقویت شود. نقش مکاتب، مرییان، جامعه مدنی، رسانه‌ها و گروه‌های مذهبی در تشویق پدران به تقسیم مسئولیت تربیت فرزندان، سهم‌گیری و ایفای نقش تیمی در تربیت، به همین اندازه مهم است. این اقدامات می‌تواند مسئولیت مشترک و برابر هر دو والدین در تربیت فرزندان شان را روشن سازد.

ما معتقدیم این مقاله می‌تواند برای کسانی که در طراحی و اجرای برنامه‌ها در بخش جنسیت در افغانستان فعال اند کمک مهمی باشد و برای کسانی که به مطالعات جنسیتی علاقه‌مند هستند، یک اثر خواندنی خوب محسوب می شود.

من می‌خواهم با استفاده از فرصت، از نویسنده مقاله به خاطر کار دقیق وی و از دوستانی که با مرور این اثر و طرح نظرات و پیشنهادات ارزشمند به غنامندسازی مقاله کمک کردند، سپاسگزاری کنم. همچنان، لازم می‌دانم از دفتر UN Women در افغانستان به خاطر حمایت مداوم از تحقیقات ما در موضوع جنسیت، قدردانی کنم.

با احترام



اورخلا نعمت

رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

فهرست مطالب

۵۰.....	چکیده
۵۰.....	موضوعات پیشنهادی برای تحقیق بیشتر
۱.....	مقدمه
۳.....	مردان و مردانگی در افغانستان
۵.....	روش تحقیق
۵.....	روح الله
۸.....	عبدالکریم
۱۰.....	نصیر
۱۱.....	نور احمد
۱۳.....	محمد خان
۱۵.....	تحلیل
۱۷.....	نتیجه گیری

چکیده

گزارش کنونی به این موضوع می پردازد که، با توجه به تغییرات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی، مردان افغان متعلق به گروه‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی، قومی-زبانی و سنی چگونه مردانگی را به چالش می کشند و آن را بازتعریف می کنند. درک مفهوم متنوع و در حال تحول مردانگی و مردانی که با فاصله گرفتن از مردانگی هژمونیک، روابط جنسیتی برابرتر دارند می تواند به شکل گیری ابتکارات مؤثرتر در زمینه جنسیت کمک کند.

سوزه بررسی این گزارش ۵ مرد دارای جایگاه اجتماعی-اقتصادی گوناگون، تعلقات قومی-زبانی متفاوت و گروه‌های سنی و موقعیت مکانی مختلف در افغانستان است. این ۵ مطالعه موردی از میان ۱۸ مصاحبه سرگذشت‌نویسی (life history) انتخاب شد. این مصاحبه‌ها به عنوان بخشی از سروی تصاویر (IMAGES) در سال ۲۰۱۷ از سوی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اجرا شده بود.

۳ موضوعی که از این ۵ مطالعه موردی به دست می آید، عبارت است از: (۱) همه افراد شامل این مطالعات، در دوره تربیت شان روابط جنسیتی را تجربه کرده اند که آن را «مثبت» توصیف می کنند؛ (۲) همه افراد شامل این مطالعات هنجارهای اجتماعی موجود و در حال تغییر در رابطه با جنسیت را درک می کنند؛ و (۳) همه افراد شامل مطالعات موردی درک رایج از مردانگی در افغانستان را به چالش می کشند و تعریف جدیدی از آن به دست می دهند. این مقاله چگونگی برساختن، ساختار شکنی (deconstruction) و تغییر مردانگی در طول زمان و مکان به روش‌های مختلف در میان مردان مختلف را نشان می دهد.

موضوعات پیشنهادی برای تحقیق بیشتر

سهم مثبت مشترک والدین در تربیت کودک می تواند تأثیرات ماندگاری بر نوع جامعه‌پذیری دختر و پسر داشته باشد. باید از تعامل مثبت پدران با فرزندان شان و مسئولیت مراقبت مشترک از سوی مکاتب و مربیان، بیشتر حمایت شود. جامعه مدنی، رسانه‌ها و گروه‌های مذهبی نیز می توانند با بیان این امر که نه تنها کودکان و زنان، بلکه مردان نیز از مزایای پدر بودن مستفید می شوند، نقش مسئولانه پدر را ترویج کنند.

۱. تدوین برنامه‌های آموزشی در مورد برابری جنسیتی در مکاتب و پوهنتون‌ها می تواند اهمیت این مباحث را برای پسران و مردان توضیح دهد. این برنامه‌ها باید فضای مناسبی برای ایجاد همدلی و صحبت در باره روابط جنسیتی، صمیمیت، منازعه مسلحانه و خشونت فراهم کند. این برنامه‌ها همچنین باید برابری بین جنسیت‌ها و روابط محترمانه غیر خشونت‌آمیز را ترویج کند و دشواری‌هایی را که پسران و مردان به دلیل نظم جنسیتی فعلی در افغانستان تجربه می کنند، به ویژه نقش شان به عنوان نان‌آور، محافظ و تصمیم گیرنده، برجسته سازد. اگرچه این مساله پیچیده است، زیرا برخی از مردان در چنین شرایطی رشد کرده اند، لازم است این پیچیدگی‌ها بررسی، تحلیل و بحث شوند.
۲. رسانه‌ها در نحوه شکل‌گیری مردانگی و زنانگی نقش حیاتی دارد. طرح ارتباطات جامع و به لحاظ فرهنگی تعدیل شده، باید به اثرات مردانگی هژمونیک در زندگی روزمره مردان در جامعه، پاسخ دهد. به این طریق، هم مردان و هم زنان بهتر می توانند سلسله مراتب جنسیتی را دوباره ارزیابی کنند و بدان بیندیشند و برابری بین جنسیت‌ها را به سود هر دو طرف ببینند. رسانه‌ها همچنان می توانند سهم مثبت مردان در حوزه خانگی و ایجاد توازن کار-زندگی برای هر دو جنس را آشکار سازند و مردانی را که الگوی مثبت برای پسران اند شناسایی کنند، با آنها همکاری و آنها را بشناسانند.
۳. فعالیت زنان محلی، هم در سطح جهانی و هم در افغانستان، از طریق ائتلاف با مردان، به پیشرفت‌های بزرگی رسیده است. فعالین حقوق زنان و سازمان‌های حقوق زنان باید برای ایجاد روابط برابرتر و کمتر خشونت‌آمیز بین دو جنس، یکجا با مردان در افغانستان کار کنند.
۴. ترویج الگوی مردان دارای عملکرد مثبت یا مردانی که در خانواده‌های شان، محیط کار و در سطح کلان تر در محل و جامعه از زنان پشتیبانی می کنند، می تواند برای نسل‌های جوان تر مردانی که از آنها به مثابه الگو و کارگزار تغییر در سطح محلی و ملی، پیروی می کنند، الهام بخش باشد.

مقدمه

مداخله نظامی ایالات متحده در افغانستان در سال ۲۰۰۱، تلاش‌های وسیع بازسازی را به همراه آورد که زمینه‌ساز ورود میلیاردها پول کمک به این کشور شد. یکی از اولویت‌های اصلی کمک‌های خارجی سرمایه‌گذاری در بخش حقوق و رفاه زنان بوده است. به صورت تخمینی، هزینه‌ای بیش از یک میلیارد دلار در برنامه‌های کمکی در زمینه جنسیت مصرف شده است. بزرگ‌ترین و پرهزینه‌ترین آن پروموت (Promote) است، برنامه‌ای ۲۱۶ میلیارد دلاری اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده که در سال ۲۰۱۳ به هدف کمک به زنان افغان برای مشارکت در رهبری حکومت، اقتصاد و جامعه مدنی، به راه افتاد.^۱ با این وجود، ۱۸ سال پس از آن، افغانستان در میان ۱۸۹ کشور در شاخص انکشاف جنسیت که برابری جنسیتی را می‌سنجد، در رده ۱۷۰ قرار دارد و در گزارش ۲۰۱۹-۲۰۲۰ شاخص صلح و امنیت زنان که شمولیت، عدالت و امنیت زنان را می‌سنجد، دومین کشور در ته جدول است.^۲

ابتکارات، پالیسی‌ها و برنامه‌های کمکی در بخش جنسیت در افغانستان پس از ۲۰۰۱، زنان را به عنوان یک گروه متمایز قلمداد کرد، بدون اینکه ابعاد رابطه‌ای (نسبتی) بر ساخت (construction) جنسیت را مد نظر بگیرد. با چشم‌پوشی از این خاصیت رابطه‌ای، زنان و مردان به عنوان «قسمت‌های متفاوت بازار برای برخی از خدمات»^۳ باز تعریف شد و عناصری که زندگی زنان و مردان را عمیقاً به هم پیوند داده است، نادیده گرفته شد. منتقدان فیمینیست می‌گویند «آزاد سازی» زنان افغان از شرایط ستم‌بار تنها به توجیه اخلاقی مداخله گسترده نظامی در افغانستان پس از ۲۰۰۱ بدل شد.^۴ این رویکرد ریشه در تلقی زنان به عنوان سوژه ستم‌دیده یا قربانی و مردان افغان به عنوان مرتکبین خشونت و موانع انکشاف زنان دارد. تصور مردان افغان تنها به مثابه مرتکبین خشونت، جنگ و بی‌رحمی در افغانستان می‌تواند از طریق تحقیق تجربی در زندگی شماری از مردان خنثی شود، مردانی که هرچند اضطراب‌های گوناگون اجتماعی ناشی از جنگ، منازعه، مهاجرت و فقر دوامدار و متمادی را تجربه کرده اند، خصلت مثبت و مراقبت‌آمیز مرد بودن در آنها وجود دارد.

مطالعه مردان و مردانگی می‌تواند ابتکارها و پالیسی‌های مربوط به جنسیت را به چندین طریق، بهتر سازد. فهم جنسیت به مثابه عنصر رابطه‌ای، بهتر می‌تواند تجربه مردان و زنانی را که محروم اند یا در هنجارهای هژمونیک نمی‌گنجد، نشان دهد. به علاوه، فهم پروسه‌هایی که سبب خلق ایده‌آل‌های مردانه میان گروه‌های زیر دست می‌شود، کمک می‌کند تلقی مردان از خودشان و زندگی شان را بفهمیم. نکته آخر، از آنجایی که مردانگی همانند زنانگی برساخته اجتماعی است، می‌تواند از طریق اقدامات مؤثر، ساختار شکنی (deconstruct) شود.

۱ سرمفتش خاص برای بازسازی افغانستان (SIGAR)، «زنان افغان: ضرورت ارزیابی جامع برای تعیین و سنجش پیشرفت وزارت دفاع، وزارت خارجه و اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده» (گزارش تفتیش شماره ۱۵-۲۴ سیگار، دسامبر ۲۰۱۴)؛ سیگار، «ترویج برابری جنسیتی در برنامه‌های ملی دارای اولویت (پروموت): اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده باید دستاوردهای این برنامه ۲۱۶ میلیون دلاری و توانایی دولت افغانستان در حفظ آنها را ارزیابی کند» (گزارش تفتیش شماره ۱۸-۶۹ سیگار، سپتامبر ۲۰۱۸)؛ سیگار، «گزارش سه ماهه به کنگره ایالات متحده» (سیگار، اکتبر ۲۰۱۶).

۲ موسسه جورج تاون برای زنان، صلح و امنیت (GIWPS) و موسسه تحقیقات صلح اسلو (PRIO). زنان، شاخص صلح و امنیت ۲۰۱۹-۲۰۲۰: پیگیری صلح پایدار از طریق شمولیت، عدالت و امنیت برای زنان (واشنگتن دی سی: GIWPS و PRIO، ۲۰۱۹)؛ UNDP، «شاخص انکشاف جنسیت ۲۰۱۹»، <http://hdr.undp.org/en/content/gender-development-index-gdi>.

۳ ر. و. کانل، «تغییر در میان دروازه بانان: مردان، مردانگی و برابری جنسیتی در عرصه جهانی»، مجله زنان در فرهنگ و جامعه ۳۰، شماره ۳۱ (۲۰۰۵): ۱۸۰-۲۵.

۴ لیلی ابو لغد، آیا زنان مسلمان به پس انداز نیاز دارند؟ (کمبریج، ماساچوسیت: انتشارات پوهنتون هاروارد، ۲۰۱۳)؛ جولی بیلود، کارناوال کابل: سیاست‌های جنسیتی در افغانستان پس از جنگ (فیلاادلفیا، پنسیلوانیا: انتشارات پوهنتون پنسیلوانیا، ۲۰۱۵)؛ آنیلا دولت زی، «تأیید واقعیت در افغانستان»، مجله Cultural Dynamics ۱۸، شماره ۳ (۲۰۰۶): ۲۹۳-۳۱۱.

۵ ر. و. کانل، مردانگی. (برکلی، کالیفرنیا: انتشارات پوهنتون کالیفرنیا، ۲۰۰۵).

تحقیق در باره مردان و مردانگی در افغانستان یک بخش کوچک و در عین حال در حال رشد است.^۶ ویمپلمن، حکیمی و سادات روش‌هایی را توضیح می‌دهند که از طریق آن زنان و مردان، به شیوه‌های مختلف اما به هم پیوسته، مطابق رویه‌های حقوقی به دلیل ناسازگاری با آرمان‌های جنسیتی در جامعه افغانستان، مجازات می‌شوند.^۷ مارسدن مسیر تاجران افغان را در سراسر اوراسیا دنبال می‌کند تا برداشت گوناگون و در حال تغییر آنها از مردانگی را با توجه به تاریخچه و محیط متحول زندگی شان، به تصویر بکشد.^۸ چپویندا به بررسی این مساله می‌پردازد که چگونه مردان پشتون عمدتاً در نگرهار مفاهیم رایج میان پشتون‌ها در باره مردانگی را در چارچوب سیاسی-اجتماعی جنگ و منازعه مداوم دریافت می‌کنند، به چالش می‌کشند و می‌پذیرند.^۹ تاکنون، جامع‌ترین تحقیقی که در مورد مردان و مردانگی در مناطق مختلف افغانستان اجرا و منتشر شده، تحقیق مشترک سال ۲۰۱۶ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و کمیته سویدن برای افغانستان است که با عنوان «سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان» منتشر شد.^{۱۰} این مقاله بر اساس داده‌های تجربی که در جریان این تحقیق جمع‌آوری گردیده، تدوین شده است.

این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که مردان افغان در شرایط تغییرات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی، چگونه مردانگی را به چالش می‌کشند و بازتعریف می‌کنند. به طور خاص، این مقاله مردانی را از گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، قومی-زبانی و سنی مطالعه می‌کند، کسانی که خود را دارای روابط «مثبت» جنسیتی در زندگی شان می‌دانند. داده‌های این مقاله متکی به مصاحبه‌هایی است که بر اساس روش سرگذشت‌نویسی، انجام شده بود. از میان ۱۸ مصاحبه عمیق، مقاله روی پنج نمونه تمرکز می‌کند تا دریابد که این افراد نسبت به گذشته‌ی شان چگونه می‌اندیشند، و با توجه به ایده‌آل‌ها و مسئولیت‌های دارای بار جنسیتی در زندگی شان، چه برداشتی از خود دارند. با نگاه به زندگی مردان به مثابه فرد، می‌توانیم تصاویر انسانی‌تری را از نقش آنها به عنوان پسر، شوهر، پدر و اعضای اجتماع ببینیم.

مصاحبه با هر پنج مرد بیانگر سه موضوع مشترک است: (۱) همه مردان در دوران تربیت شان روابط جنسیتی بین زن و مرد را تجربه کرده‌اند که آن را «مثبت» توصیف می‌کنند؛ (۲) همه مردان هنجارهای اجتماعی موجود و در حال تغییر در باره جنسیت را درک می‌کنند؛ و (۳) همه مردان درک رایج از مردانگی در افغانستان را به چالش می‌کشند و تعریف جدیدی از آن به دست می‌دهند.

درک خصوصیات گوناگون و متحول مردانگی، انتظارات ناشی از آن از مردان و مردانی که با نفی مردانگی هژمونیک روابط جنسیتی منصفانه‌تری دارند، برای روی دست گرفتن ابتکارات موثرتر در زمینه جنسیت، نقش حیاتی دارد. این مقاله به مراجع ذی‌دخل، یعنی سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های جامعه مدنی و پالیسی‌سازان کمک خواهد کرد تا: الف) اهمیت مردان و مردانگی را در حیطه کار شان ارزیابی کنند و ب) راه‌هایی را شناسایی کنند که با استفاده از آن مردان می‌توانند در دستیابی به عدالت جنسیتی مشارکت بهتری داشته باشند.

۶ چند مورد آن عبارت است از: چونا آر. اجاوز، سید مهدی موسوی و لیا ویلفردا آر ای پلانگو، سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۶)؛ عزیز حکیمی و تورون ویمپلمن، گمشده در تصویر: مردانی که به دلیل «جرایم اخلاقی» در افغانستان زندانی شده‌اند. (برگن، آلمان: انستیتوت Chr. Michelsen، ۲۰۱۸)؛ مگنوس مارسدن، «تجارت مردانه: تجارت، تحرک و مردانگی در میان تاجران افغان در اوراسیا» مجله انسان‌شناسی خاورمیانه ۱۴ (۲۰۱۹): ۷۶-۵۵؛ هنری میرتین، «پیمایش هنجارها و ناامنی: مردان، مردانگی، منازعه و صلح سازی در افغانستان» (مقاله مقدماتی، سازمان تحقیقاتی بین‌المللی آموزش هشدار و صلح، ۲۰۱۸).

۷ تورون ویمپلمن، عزیز حکیمی و معصومه سادات، «او باید بیاموزد که نمی‌تواند زن را رایگان به دست آورد: مردان فراری و بر ساخت مردانگی در سیستم عدلی افغانستان» مردان و مردانگی، مارچ (۲۰۲۰): ۱۸-۱.

۸ مارسدن، «تجارت مردانه»

۹ آندریا چپویندا، ساختن خود مردانه: فرهنگ، جنگ و روان‌پویایی (Psychodynamics) در افغانستان (آکسفورد: انتشارات پوهنتون آکسفورد، ۲۰۲۰)؛ آندریا چپویندا، «خلق مردانگی» متفاوت. فردیت، کارگزاری و اصطلاحات فرهنگی در میان مردان پشتون افغانستان، بازآفرینی مردان مسلمان. عشق و ازدواج، خانواده و مراقبت در زمانه‌های ناآرام، ویراستاران: م. سی. انهورن و ن. ناگویب (نیویورک: انتشارات Berghahn Books، ۲۰۱۸)؛ آندریا چپویندا، «جنگ جامعه ما را نابود کرد»: مردانگی، خشونت و اصطلاحات فرهنگی در حال تحول در میان پشتون‌های افغانستان، افغانستان مدرن: تأثیر ۴۰ سال جنگ، ویراستار: م. ن. شهرانی، ۹۹-۱۷۹ (پلومینگتون، ایندیانا: انتشارات پوهنتون ایندیانا، ۲۰۱۸).

۱۰ چونا آر. اجاوز، سید مهدی موسوی و لیا ویلفردا آر ای پلانگو. سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۶)

مردان و مردانگی در افغانستان

مردانگی، یعنی اشکال گوناگون مرد بودن، رفتارهای اکتسابی فردی و رویه‌های سازمان‌یافته اجتماعی است.^{۱۱} نه مردانگی و نه زنانگی، بسیط و ثابت نیستند؛ چندگانه و متنوع، سیال و متحول اند. از آنجایی که مردانگی و زنانگی متناسب با تغییر پروسه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی تغییر می‌کنند، اشکال جدید زنانگی و مردانگی پدید می‌آیند. به باور کانل، مردانگی و زنانگی رابطه‌ای (نسبتی) اند زیرا نسبت به همدیگر واکنش نشان می‌دهند. برای مثال، زمانی که یک زن تنها نان‌آور یک خانوار است، این وضعیت نه تنها معانی جدیدی از زنانگی خلق می‌کند بلکه برداشت از مردانگی را نیز تغییر می‌دهد.^{۱۲}

کانل در بحث مردانگی هژمونیک استدلال می‌کند که مردانگی سلسله مراتبی است.^{۱۳} مردانگی هژمونیک به اشکال سلطه‌گر مردانگی اشاره دارد که مردان در آرزوی آن است. این نوع مردانگی در مقایسه با زنانگی و مردانگی غیر هژمونیک تا حد زیادی وابسته به قدرت و اختیارات اجتماعی در درون سلسله مراتب مرد سالار جنسیت است.^{۱۴} مردانی که از مردانگی هژمونیک دوری می‌گزینند، به لحاظ اجتماعی تحت فشار اند باور کنند که در مرد بودن ناکام اند. چپویندا نشان می‌دهد چگونه نرتوب (مرد مردانه) در جامعه پشتون ایده‌آل مشترک بسیاری از افراد است. نرتوب مرتبط با غیرت است که به معنی «اراده و ظرفیت اظهار علنی نر [مرد] بودن» است.^{۱۵} اشکال هژمونیک مردانگی که همواره در حال تحول و تغییر است، می‌تواند دارای پیامدهای بسیار مضر و منفی نه تنها بر زنان بلکه بر مردان نیز باشد. جنگ و خشونت دوامدار، مردانگی هژمونیک را خلق و تثبیت می‌کند که به اعمال خشونت علیه زنان و توسل به خشونت برای تحکیم و حفظ قدرت، تبدیل می‌شود.

دهه‌ها جنگ مداوم در افغانستان که تلفات گسترده انسانی، تخریب زیربناها و بیجا شذگی را در پی داشته است به شدت بر جامعه افغانستان تأثیر گذاشته و در نتیجه روابط جنسیتی را متاثر ساخته است. این امر بار سنگینی را بر دوش مردانی گذاشته است که انتظار می‌رود نان‌آور اصلی خانواده‌ی شان و تامین‌کننده نفقه آنها (مسئول رفاه کلی همسر و فرزندان) باشند.^{۱۶} آذربایجانی-مقدم این تغییرات را چنین توصیف می‌کند:

تزلزل اقتصادی همواره به دگرگونی رفتارها و زنانه‌سازی فقر انجامیده است. دلیل آن از بین رفتن یا نبود نان‌آور مرد است که برای بسیاری از خانوارها، به خصوص خانوارهای شهری تحت تکفل زنان، گزینه‌ای باقی نگذاشته است، به جز مشارکت زنان در اقتصاد نقدی خانوار. در گذشته، شریک ساختن مسئولیت تامین نفقه کل خانواده و اجازه دادن به زنان برای ورود در فضاهای فساد انگیز از طریق کار در بیرون از خانه، مایه ننگ تلقی می‌شد اما مردان خانواده‌های روستایی و ولایتی و نیز گروه‌های عایداتی مختلف به تدریج مزایای اجازه دادن به زنان برای کسب درآمد یا تماس با سازمان‌های خارجی را که می‌توانست به آنها کمک کند، درک کردند.^{۱۷}

۱۱ کانل، منبع پیشین.

۱۲ همان

۱۳ ر. و. کانل و ج. و. میسر اشمیت «مردانگی هژمونیک: بازاندیشی مفهوم» مجله جنسیت و جامعه ۱۹، شماره ۶ (۲۰۰۵): ۵۹-۸۲۹.

۱۴ همان

۱۵ آندریا چپویندا، ساختن خود مردانه: فرهنگ، جنگ و روان‌پویایی (Psychodynamics) در افغانستان (آکسفورد: انتشارات پوهنتون آکسفورد، ۲۰۲۰)

۱۶ اچاوز، موسوی و آر ای پلانگو، سوی دیگر نابرابری جنسیتی.

۱۷ سبیلی آذربایجانی-مقدم، «زنان افغان در حاشیه قرن بیست و یکم»، رمز گشایی ملت‌سازی: کمک، صلح و عدالت در افغانستان، ویراستار: الف. دونینی، ک. ویرمایستر و ن. نیلاند، ۱۱۶-۹۵ (بلوم فیلد، CT: انتشارات کوماریان، ۲۰۰۴).

تحقیقی که در سال ۲۰۱۶ توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام شد نشان داد که مردان افغان شجاع و اهل ناموس تلقی می‌شوند، با این حال احساس می‌کنند به دلیل ناتوانی در برآوردن انتظارات اجتماعی، صداقت و ارزش شان را از دست می‌دهند، امری که باعث بی‌غیرتی و شرم شده است.^{۱۸} مرد بی‌غیرت کسی است که نامرد است و ننگ ندارد، در مقابل مرد باغیرت که صاحب ننگ است. احساس آبروریزی یا شرمساری همچنان زنان و مردان را مجبور می‌کند از نقش‌ها و انتظارات تعیین شده جنسیتی پیروی کنند. این فشارها همچنین مردان را وادار کرده است هم در حوزه داخلی و هم در حوزه عمومی، به ابزارهای خشونت آمیز علیه زنان و سایر مردان متوسل شوند، تا مسئولیت‌های متصور اجتماعی خود را انجام دهند و قدرت و حس مردانگی القا شده اجتماعی را اعمال کنند.^{۱۹}

مطالعه نشان می‌دهد که مردانی که به گروه‌های مسلح می‌پیوندند و به منازعه خشونت آمیز دست می‌زنند معمولاً کسانی اند که فرصت‌های اقتصادی محدود دارند و از فقر رنج می‌برند. بر اساس گزارش کوتاه سال ۲۰۱۸ انستیتوت صلح ایالات متحده در افغانستان، با رویرو شدن شمار روز افزون جمعیت جوان با ناامنی و نرخ بلند بیکاری، مردان جوان به گونه فزاینده‌ای «به جرایم سازمان‌یافته و سایر فعالیت‌های غیر قانونی - و اغلب خشن - دست می‌زنند تا مکلفیت‌ها و وظایف متصور شان در قبال خانواده را برآورده کنند»^{۲۰}. این الگو در مناطق جنگی مختلف در دنیا دیده شده است. سامرز توضیح می‌دهد که چگونه در رواندا، مردان جوان فقیر و بیکار تحت تاثیر فقر، نابرابری اجتماعی، محرومیت، نبود آموزش، و عدم تحرک، به راحتی استخدام شدند تا دست به نسل کشی بزنند.

موارد دیگر مانند لیبریا و سیرالئون نشان می‌دهد که مردان جوان به صورت خاص با وعده ازدواج در جنگ استخدام می‌شوند.^{۲۱} دولان با توصیف این الگو استدلال می‌کند که مردان جوان «با پیوستن به جنگ برای رسیدن به آنچه از آنها محروم شده اند، فرهنگ را به چالش می‌گیرند» و «از آنجا که بزرگان آنها را از فرصت اقتصادی محروم کرده اند، جوانان با گرفتن اسلحه راه میان‌بر را انتخاب می‌کنند»^{۲۲} چپویندا در مطالعه خود در مورد افغانستان بیان می‌کند که در نتیجه جنگ‌ها و درگیری‌های طولانی مدت، بی‌رحمی و ظلم بخشی از محیط اخلاقی می‌شود که انتظارات جدیدی را برای مردانگی در افغانستان به وجود می‌آورد. به همین ترتیب، «انتظارات موجود برای ابراز مردانگی و شجاعت دوباره مطرح می‌شود و باعث بدتر شدن معیارهایی می‌شود که از قبل خشن است و در طی سه دهه درگیری‌های گذشته شکل گرفته است»^{۲۳}.

مردانی که در این تحقیق مطالعه شدند، ترجیح دادند به خشونت متوسل نشوند، و در عوض، مردانگی هژمونیک را به چالش بکشند و درک شان از روابط جنسیتی را در پرتو شرایط متحول اجتماعی و خانوادگی بازتعریف کنند. درک اشکال متنوع مردانگی و زنانگی به عنوان برساخت‌های اجتماعی می‌تواند به ما کمک کند بفهمیم که این مفاهیم چگونه به ما میراث می‌رسد، اما می‌توانند تغییر کند و تغییر می‌کند، به ویژه در مواجهه با شرایط در حال تحول.

۱۸. اجاوز، چونا آر. سید مهدی موسوی، لیا ویلفردا آر ای پلانگو. «سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان». کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۶.

۱۹. لینا اربی رافع، «فرصت از دست رفته؟ سهم ساری مردان در امور جنسیتی: آوازهایی از افغانستان» ژورنال صلح سازی و انکشاف ۳، شماره ۳ (۲۰۰۷): ۷-۸۲.

۲۰. بلقیس احمدی و رفیع الله استانکزی، «تعریف دوباره مردانگی در افغانستان» (انستیتوت صلح ایالات متحده، گزارش کوتاه صلح ۲۴۳، ۲۰۱۸).

۲۱. پال ریچاردرز، «مردان جوان و جنسیت در جنگ و بازسازی پس از جنگ: یافته‌های مقایسه‌ای از لیبریا و سیرالئون»، نیمه دیگر جنسیت: مشکلات مردان در روند انکشاف. یان بانون و ماریا سی کوریا، ۱۴۲ (واشنگتن دی سی: نشرات گروه بانک جهانی، ۲۰۰۶).

۲۲. کریس دولان، «مردانگی در حال فروپاشی و کشورهای ضعیف - مطالعه موردی اوگاندا شمالی»، مردانگی مهم است! مردان، جنسیت و انکشاف، ویراستار: ف. کلیور، ۷۷. (دوربان: انتشارات Zed Books، ۲۰۰۳).

۲۳. آندریا چپویندا، ساختن خود مردانه: فرهنگ، جنگ و روان پویایی (Psychodynamics) در افغانستان (آکسفورد: انتشارات پوهنتون آکسفورد، ۲۰۲۰): ۴

روشن تحقیق

داده‌های این مقاله بر اساس ۱۸ مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته استوار است که با استفاده از روش سرگذشت‌نویسی اجرا شد. این مصاحبه‌ها به عنوان بخشی از گزارش سال ۲۰۱۶ توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام شده است.^{۲۴} این گزارش یک مطالعه جامع خانوار است که توسط سازمان Promundo و مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان تدوین شده است، و در مورد نگرش و عملکرد مردان در افغانستان اجرا شد. کانون توجه این گزارش معانی متنوع مردانگی در افغانستان و روش‌هایی است که این پدیده از طریق آن به (نا) برابری جنسیتی کمک می‌کند.

از میان ۱۸ مصاحبه عمیق، هفت مصاحبه با مردانی انجام شد که در اوایل بزرگسالی (۱۸ تا ۳۵ سال) قرار دارند، هفت مصاحبه با مردانی در میانه بزرگسالی (۳۶ تا ۵۰ سالگی) و چهار مصاحبه با مردانی در اواخر بزرگسالی (۵۱ تا ۶۵ سال) انجام شد. از میان ۱۸ مصاحبه، پنج مطالعه موردی انتخاب شد تا تنوع در مردان از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی، بافت قومی-زبانی و گروه‌های سنی تأمین شود.^{۲۵} خاستگاه این مردان به مناطق مختلف افغانستان بر می‌گردد، از مناطقی در روستاهای کابل گرفته تا ننگرهار، تخار و شهر بامیان. بر اساس این گزارش، این مکان‌ها به لحاظ محافظه کاری و گشودگی در برابر مسائل مربوط به جنسیت در افغانستان، در درجات مختلف قرار دارد.

مصاحبه‌هایی که توسط تیم تحقیقاتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام شد دارای چهار موضوع اصلی است: (۱) فهم راه‌هایی که تجربیات کودکی و خانوادگی از طریق آن بر دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در باب جنسیت تأثیر می‌گذارد؛ (۲) درک دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در مورد روابط جنسیتی در محل کار؛ (۳) درک تأثیر خشونت بر زندگی شرکت‌کنندگان؛ و (۴) فهم برداشت شرکت‌کنندگان از راه‌هایی که نگرش آنها در باره مردانگی سنتی را از سایر مردان متفاوت می‌سازد.

روش سرگذشت‌نویسی به ما کمک می‌کند بفهمیم که نگرش‌ها و رفتارهای جنسیتی چگونه با فراز و فرود زندگی یک فرد در هم آمیخته و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. این مقاله درک زمینه‌مند و انسانی را از تجربیات مردان در افغانستان تحت تأثیر فرایندهای سیاسی-اجتماعی و اقتصادی از جمله جنگ(ها)، مهاجرت اجباری، تغییرات محیطی و انتظارات و روابط جنسیتی در حال تحول، به دست می‌دهد. مقاله توضیح می‌دهد که چگونه وقایع خاص در زندگی هر یک از شرکت‌کنندگان تأثیر گذار بوده است و تغییرات در نگرش آنها نسبت به این تجربیات را بیان می‌کند. این مقاله همچنین این امکان را به مردان می‌دهد که به شیوه‌ای که دوست دارند صحبت کنند. این امر زمینه فهم تفسیر آنها از خود و مردانگی شان را میسر می‌سازد.

روح الله

روح الله مرد ۳۸ ساله هزاره است که به عنوان معلم و کتابدار کار می‌کند. وی در دهه ۱۹۸۰ در یک دهکده روستایی در ناهور غزنی بزرگ شد. روح الله در زمان جنگ اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان بزرگ شد، جنگی که باعث تغییر دینامیک جنسیتی در خانواده اش شد. او به یاد می‌آورد که پدرش، که یک عالم مذهبی در روستای شان بود، از زندگی اش غایب بود زیرا او یک مجاهد^{۲۶} بود که در مقاومت علیه شوروی و رژیم کمونیستی مستقر در کابل می‌جنگید. در نتیجه، وی مدت‌های طولانی [از خانه] دور می‌ماند، به طوری که خانواده اش چندین بار انتظار مرگ او را داشتند. غیبت پدر روح الله نقش و مسئولیت‌های جنسیتی را در خانواده آنها تغییر داد. مادر او هم نقش پدر را به عهده گرفت و هم نقش مادر را، امری که بر روابط روح الله با مادرش تأثیر گذاشت. روح الله در کارهای خانه به گونه جدی به او کمک می‌کرد، که به گفته وی، تأثیرات مثبتی بر وی گذاشت.

۲۴. اچاوز، چونا آر، سید مهدی موسوی، لیا ویلفردا آر ای پلانگو. «سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان». کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۶.

۲۵. برای اشاره به افراد مورد مطالعه در این مقاله، به هدف ناشناس ماندن آنها، از نام‌های مستعار استفاده می‌شود. جزئیات خاص تاریخچه زندگی آنها نیز به صورت محدود بیان شده است.

۲۶. در این قرینه، اصطلاح مجاهد به شخصی گفته می‌شود که در مقاومت علیه شوروی سابق و رژیم کمونیستی دست دارد.

مادر او نقش‌ها و مسئولیت‌های پدرش را بر عهده گرفت، مانند جمع آوری سوخت در زمستان‌های سخت. او در غیاب پدر روح الله به تصمیم‌گیرنده نهایی در خانواده بدل شد. با این حال، زمانی که پدرش حضور داشت، به ندرت در کارهای خانه به مادرش کمک می‌کرد. در عوض، او مسئولیت‌هایی را در خارج از خانه به عهده می‌گرفت که به مردان نسبت داده می‌شود، مانند قله کردن زمین. و به دلیل موقعیت مذهبی پدرش در اجتماع محلی آنها، او درگیر امور اجتماعی بود، از جمله توصیه به فرزندان (از هر دو جنس) برای شرکت در مدارس دینی محلی.

روح الله در دوران کودکی با مادرش ارتباط نزدیک داشت و در کارهای خانه به او کمک می‌کرد. وی همچنین به مسئولیت‌های دهقانی خود رسیدگی می‌کرد و در مدرسه دینی که در آن زمان تنها مدرسه/مکتب روستای آنها بود، درس می‌خواند. درک او از نقش‌ها و مسئولیت‌های جنسیتی برخاسته از تربیت دوران کودکی وی در زمانه جنگ و درگیری است.

یک بار دیدم مادرم برای جمع آوری هیزم برای بخاری بیرون می‌رفت، اما چیلی اش پاره بود. برایش گفتم، از امروز به بعد، نمی‌خواهم به مدرسه بروم. مادرم از من پرسید چرا؟ گفتم من با تو می‌روم و برای زمستان سوخت جمع می‌کنم. او به آرامی پاسخ داد و گفت، لازم نیست تو برای زمستان چوب و سوخت جمع کنی. این مسئولیت تو نیست. اگر می‌خواهی نصیحت مرا قبول کنی و آرزوی مرا برآورده کنی، این پرای من بس است. من می‌خواهم تو یک فرد تحصیل کرده شوی. [...]. به نظر من، نقش یک زن بسیار مهم است، خصوصاً در مورد فرزندان اش در جامعه، زیرا زن نقش مهمی در رشد نگرش اجتماعی و تربیتی کودک دارد. مادر و خواهرم در زندگی من نقش مثبتی داشتند. آنها به من اجازه کار ندادند، به من کمک کردند درس بخوانم و فرصت تحصیل را برایم فراهم کردند. من از مادر و خواهرانم تشکر می‌کنم.^{۲۷}

روایت روح الله، جایی که مادرش وقتی مسئولیتی را که به طور سنتی به او تعلق نمی‌گرفت، به عهده گرفت و او را تشویق به درس خواندن کرد، نشان می‌دهد که مادرش تا چه حد بر درک او از نقش‌های جنسیتی تأثیر داشته است. او فرصت‌هایی که در زندگی به او داده شده و نگاه مثبت خود به زنان را مستقیماً به مادر و خواهرانش نسبت می‌دهد.

در دهه ۱۹۹۰، روح الله و خانواده اش به خاطر هدف قرار گرفتن سیستماتیک هزاره‌ها توسط طالبان، به ایران مهاجرت کردند. روح الله و خانواده اش هم به دلیل اقتصادی و هم سیاسی مهاجرت کردند. او و خانواده اش به عنوان یک هزاره هم در افغانستان و هم در ایران با تبعیض روبرو شدند. مهاجرین افغان در ایران با انواع بدرفتاری و تبعیض مواجه اند: آنها تنها مجاز به کار در کارهای دستی پرخطر و کم درآمد اند و در رفتن به مکتب با موانع بزرگی روبرو اند.^{۲۸} علاوه بر این، روح الله به یاد می‌آورد که به دلیل احساسات ضد مهاجران در ایران، به دلیل وجود سلسله مراتب اجتماعی بین مهاجران و افراد محلی، در هنگام برقراری ارتباط با دختران ایرانی محدودیت‌های اجتماعی را احساس می‌کرد. وقتی روح الله می‌خواست به مکتب برود، به دلیل قوانین تبعیض آمیز علیه افغان‌ها، تنها گزینه او رفتن به یک مدرسه مذهبی در قم بود. وی تحصیلات دینی خود را در قم به پایان رساند و به افغانستان بازگشت. وی در امتحان کانکور شرکت کرد و در پوهنتون ابن سینا در کابل پذیرفته شد.

دینامیک جنسیتی در خانواده فعلی روح الله، با حضور دو دختر و دو پسرش، با زمان رشد خود او بسیار متفاوت است. با این حال، به گفته وی، تربیت و تحصیلات دینی وی تأثیر ماندگاری بر روابط فعلی او با همسر و فرزندان داشته است.

۲۷ مصاحبه مورخ ۲ نوامبر ۲۰۱۷.

۲۸ دیدبان حقوق بشر، «مهمانان ناخواسته: نقض حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان از سوی ایران»، ۹ اکتبر ۲۰۱۷، www.hrw.org/report/۲۰۱۷/۱۱/۲۰۱۳/unwelcome-guests/irans، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰

من ریشه تفاوت بین دختران و پسران را از بین برده ام. به عنوان مثال، من در خانه کار می‌کنم و به همسر در کارهای روزمره خانه کمک می‌کنم. برای فرزندانم آشپزی می‌کنم و اگرچه می‌خواهم لباس‌هایم را بشویم، همسر اجازه این کار را نمی‌دهد. من همه این کارها را فقط به این دلیل انجام می‌دهم که به فرزندانم یاد بدهم در یک خانواده هیچ برتری بین دختر و پسر وجود ندارد، باید با هم کار کنند و از یکدیگر حمایت کنند. من فرزندانم را با این سبک فکر و شیوه تربیت کرده ام. علاوه بر این، وقتی فرزندانم کوچک بودند، من ظرف‌ها و لباس‌های آنها را می‌شستم. من پسرانم را به گونه‌ای آموزش داده‌ام که فکر نکنند خواهران‌شان توانایی کمتری دارد. آنها باید به یکدیگر احترام بگذارند.^{۲۹}

روح الله با درک روش‌های مختلف برقراری روابط جنسیتی در جامعه از سوی دیگران، روابط برابری خواهانه جنسیتی را در خانواده خود ایجاد می‌کند. در خارج از خانه، روح الله به عنوان معلم و کتابدار، هنگام نشستن و گفتگو با همکاران زن به گونه‌ی عادی تعامل می‌کند، به خصوص وقتی که آنها در مورد مسایل خانوادگی‌شان از او مشاوره می‌گیرند. وی به ویژه محصلان دختر را به مطالعه و سخت‌کوشی حتی با وجود موانع اجتماعی موجود، ترغیب می‌کند. به همین صورت، وی معتقد نیست که کار باید بر اساس جنسیت تقسیم شود.

ما نمی‌توانیم یک دختر یا یک زن را به تدریس یا پرستاری یا داکتری محدود کنیم. آنها ممکن است ظرفیت‌های دیگری داشته باشند. به عنوان مثال، ما اکنون زنان زیادی داریم که انجنیر اند و بهتر از مردان اند. بنابراین، ما باید به زنان و دختران اجازه دهیم رشته خود را انتخاب کنند.^{۳۰}

مواجهه روح الله با شاگردان دختر و همکارانش و تعامل با آنها، بر نحوه درک وی از کار جنسیتی تأثیر می‌گذارد. اگرچه روح الله در خانه رویه‌های برابر جنسیتی را به کار می‌گیرد، وی خود را مردی سنتی می‌داند. وی می‌گوید تأمین برابری در خانوار برای همسر و فرزندان به معنای سنتی نبودن او نیست. بلکه او نمی‌خواهد فرزندانش به روشی که او بزرگ شده بزرگ شوند و می‌خواهد خانواده‌اش بهترین فرصت‌های آموزشی را در اختیار داشته باشد. با این حال، او آگاه است که ممکن است دیگران در جامعه فکر کنند که او غیر سنتی است.

یک بار، همسر من گفت که برخی از اقوام در مورد تو به من چیزی گفته‌اند. آنها گفتند من شخص دیگری شده‌ام و از خدا فاصله گرفته‌ام. از همسر پرسیدم، تو به آنها چه گفتی؟ و او پاسخ داد که هیچ واکنشی نشان نداد [...]. برخی معتقدند که من از خدا دور شده‌ام. بعضی اوقات که دوستانم به خانه من می‌آمدند، به آنها می‌گفتم که دین می‌تواند برای تشویق به خشونت استفاده شود. من یک کتاب درسی صنف یازدهم را به آنها نشان دادم که می‌گفت اگر دختری توسط پدرش آموزش نیبند، پس وظیفه شوهرش است که او را آموزش دهد. من فکر می‌کنم وقتی دختری ازدواج می‌کند، باید فرزندانش را آموزش دهد، نیاز ندارد توسط شخص دیگری آموزش ببیند.^{۳۱}

برداشت روح الله از دیگران باعث درگیری در زندگی او شده است، زیرا برخی از نزدیکان وی دیگر با او در ارتباط نیستند. با این حال این مسئله او را آزار نمی‌دهد، زیرا او معتقد است که راه واقعی خدا را دنبال می‌کند و به طور کلی در جامعه پذیرفته شده است که تشویق محیط برابری طلبانه در خانه سودمند است. وی اشاره می‌کند که در جامعه مردسالار، مردان زنان را فرعی تلقی می‌کنند.

۲۹ همان.

۳۰ مصاحبه مورخ ۲ نوامبر ۲۰۱۷.

۳۱ همان.

عبدالکریم

عبدالکریم یک مرد ۲۸ ساله پشتون است که در بخش مخابرات در کابل کار می‌کند. وی در دهه ۱۹۹۰ در یک خانواده طبقه متوسط در کارته نو در کابل به دنیا آمد. پدر و مادر وی هردو تحصیلات عالی داشتند و اعضای خانواده وی قبل از تهاجم شوروی ثروتمند بودند. از آنجایی که اوایل دوران کودکی او در دهه ۱۹۹۰ سپری شد، جنگ داخلی که در پایتخت شعله ور شد، وی و خانواده اش را مجبور کرد با پای پیاده به ولایت اصلی شان نگرهار مهاجرت کنند. آنها پس از ۲ سال، دوباره به پایتخت بازگشتند و احساس کردند شرایط آنجا بهتر است، اما هنگامی که طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰ به قدرت رسیدند دوباره به نگرهار بازگشتند. به دلیل وابستگی خانواده اش به رژیم قبلی، و عدم دسترسی به مشاغل دولتی در دهه ۱۹۹۰، پدرش به کار آزاد روی آورد و برای تأمین معاش خانواده خود در بازار به مبادله اسعار مشغول شد.

عبدالکریم محیط خانوادگی خود در دوران رشد اش را بسیار پرتنش توصیف می‌کند، زیرا پدرش نسبت به وضعیت سیاسی آن زمان مضطرب بود. در نتیجه‌ی درگیری‌ها، ناامنی گسترش یافته بود و آنها در تمام بخش‌های زندگی شان با محدودیت مواجه بودند. او به یاد می‌آورد که در نتیجه این وضعیت، پدرش بسیار بی‌حوصله و سخت‌گیر بود.

او باید نسبت به ما بسیار سخت‌گیر می‌بود زیرا محیطی که ما در آن زندگی می‌کردیم وحشتناک بود. باید بسیار سخت‌گیر می‌بود تا از مواجه شدن ما با مشکلات در جامعه جلوگیری کند [...] مشکلات زیادی از جمله اختطاف کودکان، مسائل امنیتی و از همه مهم‌تر، مشکلات اخلاقی در جامعه وجود داشت [...] پدرم باید از فرزندانش مراقبت می‌کرد، خواه پسر بود یا دختر. بیرون رفتن حتی برای پسران دشوار بود زیرا مشکلات اخلاقی زیادی وجود داشت، اگر پسر بیرون از خانه می‌رفت در جمع افراد ناباب قرار می‌گرفت، به مواد مخدر اعتیاد پیدا می‌کرد یا ممکن بود توسط دیگر پسران محل مورد سوء استفاده جنسی قرار بگیرد. بنا بر این، پدرم نسبت به ما بسیار سخت‌گیر بود. او به ما اجازه می‌داد تنها برای مکتب رفتن به بیرون برویم، بیشتر اوقات مجبور بودیم در خانه بمانیم. اکنون که بزرگ شده‌ام، منطق محدودیت‌هایی را که پدرم برای ما ایجاد کرده بود درک می‌کنم؛ حالا از آن محدودیت‌ها راضی‌ام، ممکن بود حالا زندگی متفاوتی داشته باشم یا شاید مرد موفق‌تری که الان هستم، نبودم.^{۳۲}

روایت عبدالکریم دشواری‌های جنگ و مهاجرت را برجسته می‌کند. فعالیت پدرش در رژیم کمونیستی شرایط کار و زندگی وی را در نظم سیاسی جدید پس از ۱۹۹۲ به خطر انداخته بود. او همچنین درباره محدودیت‌هایی که پدرش در میانه جنگ و درگیری به دلیل «مشکلات اخلاقی» در ولایت اصلی شان نگرهار بر پسران جوان خود وضع کرده بود، سخن می‌گوید. وی توصیف کرد که این مشکلات اخلاقی شامل آدم‌ربایی برای فروش آنها به عنوان بچه (رویه‌ای که شامل استثمار جنسی کودک است)، قماربازی، افتادن در فساد یا اعتیاد به مواد مخدر بود. او به یاد می‌آورد که در نتیجه این وضعیت، در زمان رشد اش، با برادرانش فقط به مکتب می‌رفته است، در حالی که خواهرانش نمی‌توانستند زیرا این کار در زمان رژیم طالبان ممنوع بود. عبدالکریم بقیه اوقات را در خانه می‌ماند.

دینامیک جنسیتی در تربیت وی در زمان رژیم طالبان تغییر کرد، زیرا مادر و خواهرانش در خانه ماندند و همه کارهای خانه را بر عهده گرفتند. پس از سقوط طالبان، مادر وی موقف برجسته‌ای را در نمایندگی یکی از وزارتخانه‌ها در نگرهار به دست آورد. خواهرانش نیز در پوهنتون تحصیل کردند. وی خانواده خود را در نگرهار استثنایی توصیف می‌کند، زیرا زنان خانواده وی تحصیلات عالی رسمی دریافت کرده‌اند. این زنان آزادی مالی داشتند و در خانواده تصمیم‌گیرنده بودند. وی به یاد می‌آورد وقتی مادرش مشغول کار بود، پدرش بعضی اوقات کارهای خانه را انجام می‌داد. با این حال، شیوه زندگی آنها در نگرهار خانواده شان را در بین مردم در موقعیت دشواری قرار داد.

خانواده وی با فشارهای اجتماعی روبرو شدند تا زنان خانواده را از کار و تحصیل منصرف کنند. عبدالکریم اشاره می‌کند که بر اساس پشتونوالی (اصول قبیله‌بی پشتون‌ها)، کار کردن در خارج از خانه برای مادرشان شرم آور تلقی می‌شد و مردان خانواده‌ی آنها از سوی مردم محل بی‌غیرت خوانده می‌شد. پس از آنکه خانواده وی از سوی گروه‌های مسلح چندین بار تهدید به مرگ شدند، مادرش مجبور شد از وظیفه خود در نمایندگی یکی از وزارتخانه‌ها استعفا دهد. پس از استعفا، به تدریس در پوهنتون مشغول شد.

ما از همه افراد محل می‌شنیدیم که خانمی که در خارج از خانه کار می‌کند شخصیت بد دارد [...] بیشتر اوقات، وقتی این نظرات را می‌شنیدم، نادیده می‌گرفتم [...] گاهی با آنها بحث می‌کردم و به آنها می‌گفتم که مادرم خارج از خانه کار می‌کند، و در نتیجه من بالاترین تحصیلات را در خانواده دارم. ما با مردم مهربان هستیم و هیچ اشکالی در ما وجود ندارد [...] رفتار ما در جامعه در مقایسه با دیگران بهتر است. شرایط زندگی ما بهتر از اکثریت مردم است و همه به ما احترام می‌گذارند. حتی افرادی که از ما انتقاد می‌کردند، به خانواده من مراجعه می‌کردند، حتی اگر زنان مشکلی داشتند، برای جستجوی راه حل به مادرم مراجعه می‌کردند و اگر مردان مشکلی داشتند، به پدرم مراجعه می‌کردند.^{۳۳}

عبدالکریم در مورد فشارهای اجتماعی که او و خانواده اش با آن روبرو بودند و پاسخ آنها در برابر آن فشارها، صحبت می‌کند. او می‌داند که علی‌رغم تصورات منفی نسبت به خانواده آنها، خانواده وی به اجتماع خود کمک مثبت کرده اند. عبدالکریم روابط مثبت جنسیتی امروز در خانه خود، مانند مراقبت از پسرش و کمک به همسرش در کارهای خانه را به مادرش نسبت می‌دهد. او فیس پوهنتون همسرش را می‌پردازد؛ و وقتی همسرش در طول روز به عنوان محصل طب در پوهنتون است، عبدالکریم فردی را برای مراقبت از طفل شان استخدام کرده است.

مادرم برای من یک قهرمان است. او در تربیت من به عنوان یک مرد، نقش مهمی داشت. می‌توانم بگویم که او نه تنها در زندگی من و خانواده من نقش فعالی داشت، بلکه در جامعه ما و اصلاح اجتماع ما نیز نقش بسزایی داشت [...] او در رفتارهای [خوب] ما نقش مهمی داشت، و در تحصیلات و مسلک من نیز نقش جدی ایفا کرد [...] او به ما یاد داد که با افراد جامعه چگونه رفتار کنیم و چگونه به جامعه و مردم خدمت کنیم. او ارزش‌های خوبی به ما آموخت و در زندگی ما را حمایت و تشویق کرد. او به ما یاد داد که چگونه از ارزش‌های اسلامی و افغانی دفاع کنیم و به ما می‌آموزد که در برابر تبعیض بایستیم. ما پشتون هستیم، و زبان مادری ما پشتو است، اما مادرم دری سخن گفتن را به ما یاد داد و حالا ما در خانه به زبان دری صحبت می‌کنیم، زیرا او به ما یاد داد که تبعیض قائل نشویم.^{۳۴}

عبدالکریم اظهار داشت که مادرش علاوه بر ایفای نقش مثبت در خانواده و جامعه، بر شکل‌گیری شخصیت امروزی او نیز تأثیر گذاشت. وی همچنین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خوب خود را مرهون آموزش‌هایی می‌داند که با تشویق والدین خود فرا گرفت. وی توانست ۴ سال در خارج از کشور تحصیل کند. وی در طول تحصیل به طور منظم با صنفی‌های زن خود تعامل داشت (مانند رفتن به خانه‌های شان برای صرف شام)، اما وی می‌گوید به دلیل فشارهای اجتماعی مبنی بر عدم ملاقات خصوصی با زنان، رابطه وی با زنان پس از بازگشت به افغانستان تغییر کرد.

عبدالکریم خود را مردی سنتی می‌داند زیرا می‌گوید از همه سنت‌های جامعه پیروی می‌کند. به گفته وی، تفاوت در این است که وی زنان را کمتر از مردان نمی‌داند، باوری که از نظر او مطابق ارزش‌های اسلامی و فرهنگ افغانستان است.

۳۳ همان.

۳۴ همان.

نصیر

نصیر یک مرد ۲۹ ساله تاجیک است که به عنوان معلم در یک مرکز آموزش نظامی کار می‌کند. وی و خانواده اش در آغاز جنگ داخلی در سال ۱۹۹۲، هنگامی که وی ۴ ساله بود به ایران مهاجرت کردند. مهاجرت خانواده اش به ایران نقش جنسیت را در خانواده اش تغییر داد، زیرا هر دو والدین او مجبور بودند در اقتصاد خانوار سهم بگیرند. پدرش در کارخانه فیلتر سازی کار می‌کرد، در حالی که مادرش هر روز دکمه می‌دوخت و پاکت درست می‌کرد.

وی به عنوان بزرگترین فرزند از چهار برادر در خانواده، مسئول بیشتر کارهای خانه و کمک به بزرگ کردن برادر کوچکتر خود از اوایل جوانی بود در حالی که پدرش تمام روز در کارخانه بود. او تا ۸ سالگی، با تحویل ابزار مورد نیاز پدرش در کارخانه به او کمک می‌کرد و به آنها بر اساس تعداد فیلترهایی که می‌ساختند، پول پرداخت می‌شد. او همچنین در فروش محصولات به پدرش کمک می‌کرد و به عنوان شاگرد خیاط محلی کار می‌کرد. در نتیجه، او نتوانست به مکتب برود. وقتی او عصرها با پدرش به خانه برمی‌گشت، مادرش او را آموزش می‌داد.

عصرها پیش مادرم درس می‌خواندم. هنوز به یاد دارم وقتی پدرم اولین معاش خود را گرفت، به کتابفروشی رفت و برای ما کتاب‌های دست دوم مکتب خرید. کتاب‌ها را به مادرم داد و گفت من باید پسر را با خود ببرم تا کار کند، اما انتظار من از تو این است که کارهای مکتب را به آنها یاد بدهی. وی همچنین گفت من نمی‌خواهم پسرانم از تحصیل عقب بمانند زیرا او مجبور است با من کار کند. و گفت این وضعیت ادامه نخواهد یافت، وقتی به ثبات برسیم، می‌توانیم آنها را به مکتب بفرستیم. من فقط ۵ روز در هفته پدرم را در کار همراهی می‌کردم.^{۳۵}

نصیر لحظه‌ای از زندگی اش را به یاد می‌آورد که پدرش، که تازه معاش و دستمزد خود را به عنوان کارگر مهاجر دریافت کرده بود، تصمیم گرفت آن را به تحصیل نصیر اختصاص دهد. پدر نصیر تنها بعد از آن که در یک شرکت ساختمانی به حیث معمار استخدام شد، توانست پسر خود را در یک مکتب دولتی ثبت نام کند. وقتی نصیر در مکتب شامل شد، پدرش دیگر نمی‌خواست نصیر او را در کارش همراهی کند. او دینامیک خانوادگی خود را چنین بیان می‌کند:

وقتی عصر به خانه برمی‌گشت، بررسی می‌کرد که آیا ما کار خانگی خود را تکمیل کرده ایم یا نه. وقتی معلم به ما نمره خوب یا ستاره ای در کار خانگی می‌داد، پدرم بسیار خوشحال می‌شد و افتخار می‌کرد. بیشتر مادرم بود که نقش زیادی در تربیت ما داشت، اما پدرم همیشه سعی می‌کرد از ما حمایت مالی کند و آنچه را که نیاز داریم تامین کند، اما در همه جنبه‌های دیگر زندگی من، مانند تحصیلات و خوش اخلاقی، مادرم بود که نقش بزرگی ایفا کرد.^{۳۶}

وقتی مادرم ما را به خاطر درس نخواندن تنبیه می‌کرد و محدودیت وضع می‌کرد، من نزد پدرم می‌رفتم و از نحوه برخورد مادرم شکایت می‌کردم. او سپس در مورد اهمیت وضع محدودیت از سوی مادر برای کودکان و به طور کلی در مورد نقش زنان برای ما صحبت می‌کرد.^{۳۷}

من به یاد دارم که پدرم همیشه به ما می‌گفت اگر زنی تحصیل کرده باشد، می‌تواند کل جامعه را آموزش دهد.^{۳۸}

۳۵ مصاحبه مؤرخ ۱۳ اپریل ۲۰۱۷.

۳۶ همان.

۳۷ همان.

۳۸ همان.

نصیر اهمیت پدر و مادرش را در تربیت مثبت خود بیان می‌کند. او نقش مادرش را اثرگذار می‌داند، زیرا در بیشتر جنبه‌های زندگی به او کمک می‌کرد و بیشترین محدودیت‌ها را بر او و خواهر و برادرش وضع می‌کرد. در همین حال، پدرش به او آموخت که نقش زنان در جامعه چقدر مهم است و همیشه او را به انجام همه کارهای خانه با مادرش ترغیب کرده است.

من شخصاً معتقدم که باید تساوی در همه چیز وجود داشته باشد، خواه کار باشد یا تصمیم‌گیری. در صورتی که برابری و کار گروهی باشد، مشکلات کمتری وجود خواهد داشت.^{۳۹}

نصیر یک دختر خرد دارد و می‌خواهد او را آن‌گونه بزرگ کند که مادرش وی را بزرگ کرده است. او می‌خواهد به دخترش در مورد برابری زن و مرد مطابق احکام اسلام یاد دهد و به او بیاموزد که او کمتر از یک مرد نیست.

من اجازه می‌دهم دخترم به پوهنتون برود. برای من مهم نیست که فرزند من پسر باشد یا دختر، زیرا پدرم برای ادامه تحصیل و فارغ‌التحصیلی من در خارج از افغانستان، از من حمایت کرد، حتی اگر با هزاران مشکل روبرو باشم، پسران و دخترانم را برای تحصیل به خارج از کشور می‌فرستم.^{۴۰}

روشن می‌شود که تربیت نصیر و سهم مشترک والدین اش در رشد او، بر چگونگی تصمیم‌گیری برای تربیت فرزندان اش، تأثیر گذارده است، خصوصاً در مورد تحصیلات آنها، صرف نظر از جنسیت شان.

نور احمد

نور احمد یک مرد ۶۸ ساله تاجیک و یک کارمند متقاعد دولت است. وی در آستانه پنجشیر بزرگ شد. پدرش دهقان بود و تابستان‌ها در کابل آشپزی می‌کرد و مادرش خانه‌دار بود. نور احمد کودکی اش را در دهه ۱۹۵۰ در پنجشیر گذراند، جایی که او به یاد می‌آورد یک مکتب پسرانه وجود داشت و تا رسیدن به آن هفت مایل فاصله بود. در این مکتب فقط تعداد کمی از شاگردان منطقه درس می‌خواندند. اگرچه پدر و مادرش تحصیلات رسمی نداشتند، اما پدرش می‌خواست که او به مکتب برود.

مردمی که در آستانه زندگی می‌کردند مانند یک خانواده بودند. من به یاد دارم که در زمان‌های قدیم دوستی و صداقت زیادی در بین مردم وجود داشت، برخلاف امروز [...] مردم روستای ما مانند یک خانواده بودند و ما دختران دیگر را همیشه مانند خواهران خود می‌دانستیم. دختران و پسران موافقی شان را با هم به چراگاه می‌بردند [...] صداقت و ایمان‌داری در بین مردم وجود داشت، برخلاف امروز که حتی پسران کوچک نیز پر از شهوت و نیت شیطانی اند. سطح اقتصادی مردم برابر بود و مانند یک خانواده زندگی می‌کردند. وقتی جوان بودیم، به مکتب می‌رفتیم و جدا از آن، تنها سرگرمی ما آب بازی در رودخانه با پسران هم سن و سال و کمک به پدر و مادر در کارشان بود. دختران معمولاً با همسن و سالان خود بازی می‌کردند و همچنین در کارهای خانه و چراندن حیوانات به والدین خود کمک می‌کردند.^{۴۱}

نور احمد زمانی را قبل از جنگ به یاد می‌آورد که روابط مثبت جنسیتی در جامعه وجود داشت. در دوره تربیت وی، بین مردان و زنان تقسیم کار وجود داشت، مردان در خارج از خانه کار می‌کردند (دهقانی، قلبه، بنایی) و زنان، از جمله مادرش در داخل خانه کار می‌کرد (آشپزی، لباس شویی، نظافت). زنان همچنین در برداشت محصولات به همسران شان کمک می‌کردند. دیدن زنانی که از رودخانه برای حیوانات شان آب می‌بردند یک منظره معمول بود. نور احمد والدین خود را بسیار محافظه کار توصیف می‌کند، اما هنگامی که آنها به کابل نقل مکان کردند و وی محصل پوهنخی زراعت پوهنتون کابل شد، دیدگاه آنها در مورد روابط و نقش جنسیتی تغییر کرد.

۳۹ همان.

۴۰ همان.

۴۱ مصاحبه مؤرخ ۲۸ می ۲۰۱۷.

می توانم بگویم محیط و جامعه بیشترین تأثیر را بر من گذاشت. به دلیل کار، وقتی از زادگاهم آمدم و در کابل ساکن شدم، دید من باز شد، و محیط و همچنین تجارب کاری من واقعا بر من تأثیر گذاشتند. من به چندین کشور اروپایی و آسیایی سفر کردم و در آنجا فرهنگ های مختلفی را دیدم. وقتی من به عنوان رییس در وزارت احیا و انکشاف دهات کار می کردم، چندین کارگاه و سمینار درباره جنسیت برای ما برگزار شد و چیزهای زیادی از آن آموختم. در دوران کودکی می توانم بگویم که من خیلی طرفدار جنسیت نبودم و نسبت به خواهرانم و زنان خانواده سختگیر بودم. بنابراین، وقتی خواهر یا زنان فامیل من حجاب نداشتند، من عصبانی می شدم و از آنها می خواستم که حجاب بپوشند. من تا زمانی که از مکتب فارغ شدم اینگونه بودم. اما وقتی شروع به تحصیل در پوهنتون کردم، دختران زیادی را دیدم که در پوهنخی های مختلف تحصیل می کردند، این امر باعث تأثیرگذاری و تغییر دیدگاه های من در مورد هنجارهای جنسیتی شد.^{۴۲}

نور احمد تربیت خود در یک محیط روستایی را که «خیلی طرفدار برابری جنسیتی نبود»، با زندگی فعلی خود در کابل، جایی که وی در پوهنتون تحصیل کرد و با افراد مختلف ملاقات کرد، مقایسه می کند. وی پس از فارغ التحصیلی از پوهنتون کابل، در دهه ۱۹۸۰ به عنوان معلم مکتب در بغلان مشغول به کار شد.

یک روز که من در خوابگاه مشغول توزیع غذا برای شاگردان بودم، والی خودش با یکی از محافظانش آمد و در مقابل همه به من توهین کرد [....] من می دانستم که بعد از رفتن اش، دستور بازداشت مرا صادر می کند [....] من فرار کردم و به کابل بازگشتم [....] پس از آنکه بغلان را ترک کردم، والی چند تن از همکاران مرا دستگیر کرد و در جستجوی من بودند، سپس شاگردان علیه والی تظاهرات کردند. من برگشتم و چند هفته در کابل ماندم و فقط با دخالت و وساطت وزیر معارف، آقای اکرم خان، توانستم دوباره تدریس کنم.^{۴۳}

نور احمد یک دوره اثرگذار زندگی خود را به یاد می آورد که تحت تأثیر جنگ و تغییرات سیاسی در کشور بود. تظاهراتی برگزار شد که وی و شاگردانش در آن شرکت کردند. این تظاهرات او را پیش والی وقت بغلان، که وی را مخالف رژیم کمونیستی می دانست، به دردرس انداخت. نور احمد این حادثه را با زندگی امروز خود مقایسه می کند، وی سه دختر و چهار پسر دارد و تغییرات زندگی امروز آنها را روایت می کند.

فرزندان من در یک خانواده مدرن و تحصیل کرده زندگی می کنند. محیطی که اکنون در آن زندگی می کنیم متفاوت است. حالا ما در عصر تکنالوژی هستیم و بسیاری چیزها تغییر کرده است. در آن زمان هیچ مکتبی برای دختران وجود نداشت و آنها فقط در خانه کار می کردند. اما اکنون تغییر کرده است، دخترانم در پوهنتون درس خوانده اند. دختر بزرگ من اکنون در آلمان زندگی می کند و ازدواج کرده است. دختر دیگرم نیز متاهل است، او از پوهنتون کابل فارغ التحصیل شده است و در رشته ادبیات زبان انگلیسی تحصیل کرده است، و دختر کوچکتر من که نامزد است در حال تکمیل لیسانس اش در رشته اقتصاد است. در حالی که در گذشته، زنان خانواده تحصیل نکرده بودند و فقط به کارهای خانه مشغول بودند، همسرم اکنون هر روز از صبح تا عصر به عنوان مدیر مکتب کار می کند.^{۴۴}

نور احمد توضیح می دهد که زندگی او در حال حاضر با دوران رشد اش چه تفاوت دارد، خصوصاً اینکه فرزندانش تحصیل کرده و در خارج از کشور زندگی می کنند. نور احمد معتقد نیست که او هنجارهای سنتی جنسیت را در افغانستان زیر سوال می برد. بلکه دیدگاه های او در طول زندگی تغییر کرد. او معتقد است که او مردی سنتی است و هیچ فشار خارجی را به خاطر اینکه از همسرش حمایت می کند، احساس نکرده است.

۴۲ همان.

۴۳ همان.

۴۴ همان.

اگر این موضوع را از دیدگاه افرادی که در روستای من زندگی می‌کنند ببینید، من به نوعی یک مرد غیر سنتی هستم زیرا حالا من در خانه می‌مانم و همسرم در بیرون کار می‌کند، اما من معتقدم که این باعث نمی‌شود کسی یک فرد غیر سنتی شود. چنانچه پیشتر گفتم، محیط تأثیر زیادی روی دیدگاه و طرز تفکر شخص دارد. شاید مردم روستای من اعتقاد داشته باشند که من یک مرد غیر سنتی هستم اما این برای مردم در کابل بسیار معمول است و من یک فرد عادی هستم. به دلیل حمایت از همسرم، هیچ وقت با فشار از طرف کسی روبرو نبودم. اگر دیدگاه شخصی ام را بیان کنم، این در واقع زندگی من را آسان تر ساخت. فشار و مسئولیت فقط بر دوش من نیست زیرا در خانه ما همه چیز مشترک است، در هر مسئولیتی مشترک هستیم و این زندگی ما را آسان می‌کند.^{۴۵}

نور احمد هنجارهای اجتماعی را بر اساس زمینه آن توضیح می‌دهد و بیان می‌کند که رشد وی در یک محیط روستایی قبل از جنگ (روستای وی در پنجشیر) و محیط شهری مانند کابل چه تفاوت هایی دارد. او تأکید می‌کند که روابط مثبت جنسیتی در زندگی او مهم است و هیچ فشاری به خاطر آن احساس نمی‌کند.

محمد خان

محمد خان یک مرد ۵۷ ساله پشتون، یک معلم و یک فعال است. وی در کابل با ۱۳ برادر و یک خواهر بزرگ شد، پدرش دو همسر داشت. پدرش در اردوی افغانستان کار می‌کرد و در کارهای روزمره خانه (نظافت و پخت و پز) به هر دو همسرش کمک می‌کرد. او به یاد می‌آورد در دوران رشد، دینامیک جنسیتی بسیار مثبتی داشته است. وقتی آنها در مکتب بودند، مادرشان برای آنها غذا درست می‌کرد. بیشتر کارهای خانه توسط پسرها و پدرشان انجام می‌شد، زمانی که پدر در محل کارش نبود. خواهرش خیلی جوان بود و پدرش او را به تحصیل تشویق می‌کرد، امری که به او کمک کرد بعداً در زندگی بسیار تحصیل کرده شود.

او زمانی را به یاد می‌آورد که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در زمان کودکی وی تبعیض جنسیتی اندکی وجود داشته است.

هیچ تفاوتی بین دختران و پسران وجود نداشت. هنوز به یاد دارم که چهار یا پنج دختر از همسایه مان در کابل را می‌دیدم که با بایسکل به مکتب می‌رفتند. در آن زمان، این کار مشکل نداشت. از آن زمان به بعد، فهمیدم که نباید انسان‌ها را بر اساس جنسیت تقسیم کنیم.^{۴۶}

دوستی بین دختران و پسران برقرار بود. هیچ فکر بدی وجود نداشت. ما دوستانی داشتیم که خانم بودند، با هم درس می‌خواندیم و یکجا غذا می‌خوردیم. ما همصنفی بودیم و هیچ فکر منفی در ذهن ما وجود نداشت. وقتی در صنف بودیم، تصور می‌کردیم که یک خانواده هستیم. ما به طور منظم به خانواده دوستان زن خود سر می‌زدیم. آنها همچنین ما را به خانه شان دعوت می‌کردند. در دوره پوهنتون، اگر دختر و پسری عاشق یکدیگر می‌شدند، با والدین خود در مورد آن صحبت می‌کردند و ازدواج می‌کردند. اما اکنون کاملاً متفاوت است. کسی نمی‌تواند به خانه دوستان زن خود مراجعه کند، یا یک زن نمی‌تواند به خانه دوست مرد خود برود. این مساله ناشی از ۳۰ سال یا بیشتر جنگ است. اکنون در جامعه ما افراد زیادی هستند که خود را مدافع حقوق زنان می‌دانند. اما وقتی به خانه شان بروید، [می‌بینید] مکانی جداگانه برای زنان و مردان دارند. صحبت در مورد حقوق زنان آسان است، اما اثبات و اجرای آن کار بسیار دشواری است. زن من داکتر است. او در شفاخانه یک داکتر همکار داشت. یک بار، من و همسرم با او صحبت می‌کردیم و او شروع کرد به سرزنش افراد دیگر برای ندادن حق همسران شان. همسرم به او گفت، تو نباید در مورد حقوق زنان صحبت کنی زیرا وقتی همسر خودت از خانه بیرون می‌رود، مجبور است برقع بپوشد. پس تو چرا در مورد حقوق زنان صحبت می‌کنی؟ همسرم سپس به من اشاره کرد و گفت، «اگر او در مورد حقوق زنان صحبت کند، به او می‌زیید زیرا او این را ثابت کرده است.»^{۴۷}

۴۵ همان.

۴۶ همان.

۴۷ همان.

محمد خان، همانند نور احمد، زمانی را به یاد می‌آورد که در دوره رشد وی قبل از جنگ، ارتباط جنسیتی مثبتی بین زن و مرد وجود داشته است. محمد خان اکنون پنج فرزند دارد و موفقیت آنها در تحصیلات عالی را به همسرش نسبت می‌دهد. او یادآوری می‌کند که همسرش (که او را قبل از ازدواج می‌شناخت زیرا او از اقوام اش است و آنها با هم یکجا به مکتب می‌رفتند) چنان باهوش بود که به خاطر نمرات خوب جایزه دریافت کرد. او اکنون به عنوان داکتر طب در پیشاور پاکستان زندگی می‌کند، در حالی که محمد خان با دو فرزند خود (یک پسر و یک دختر) در کابل زندگی می‌کند. او همه کارهای خانه را انجام می‌دهد، در حالی که هر دو فرزندش هر روز به کار می‌روند. وی معتقد است مردانی که در خانه کمک نمی‌کنند در واقع زنچو هستند (زنچو کسی است که رفتاری را انجام می‌دهد که مناسب زنان است) زیرا از فشارهای جامعه می‌ترسند.

همسرم برای من غذا تهیه می‌کند، اگر من به او کمک کنم برای ما غذا درست کند، چه مشکلی دارد؟ همسرم از بچه‌های ما مراقبت می‌کند، اگر من از بچه‌های خودم مراقبت کنم، چه مشکلی دارد؟ به همین ترتیب، اگر همسرم می‌خواهد خانه ما را تمیز کند، و اگر من خانه خود را تمیز کنم، چه مشکلی دارد؟ [...] من همه چیز را از پدرم و از جامعه‌ای که در آن بزرگ شده‌ام آموخته‌ام. وقتی والدین تان شما را این‌گونه آموزش می‌دهند، به فشارهای اجتماعی اهمیت نمی‌دهید. من برای جامعه زندگی نمی‌کنم. من زندگی شخصی خود را دارم که از آن بسیار راضی هستم. چرا باید زندگی شخصی خود را به خاطر دیگران خراب کنم؟ من شخصی را دیده‌ام که ثروتمند بود و با دختری ازدواج کرد اما پس از ازدواج، دختر با محدودیت‌های زیادی مانند پوشیدن برقع مواجه شد و بدون اجازه شوهرش نمی‌توانست به بیرون از خانه برود. زندگی این دختر بدبخت بود. نمونه‌های زیادی از این دست داریم. این افراد همسران خود را انسان نمی‌دانند. آنها را ملک شخصی خود می‌دانند [...] در گذشته یا قبل از تهاجم شوروی، ما به خانه دوستان خود می‌رفتیم، اگر او در خانه نبود، مادر یا خواهرش از ما استقبال می‌کردند. این محدودیت وجود نداشت که یک زن نتواند از مهمان مرد در خانه خود استقبال کند [...] یک زن می‌توانست به خرید برود، از مهمان شوهرش پذیرایی کند، در یک دفتر کار کند و در جامعه از اعتبار خوبی برخوردار بود. وقتی وضعیت فعلی را می‌بینیم، نتیجه ۳۵ سال جنگ و ناآگاهی مردم از حقوق زنان است.^{۴۸}

محمد خان روابط مثبت خود با همسرش را مرهون تربیت اش قبل از جنگ‌ها می‌داند. او از فشارهای موجود جامعه در مورد مرد بودن نیز آگاه است، وی با آن موافق نیست و حتی آن را تقبیح می‌کند. در عوض، او راه‌هایی را بیان می‌کند که از طریق آنها اجازه نمی‌دهد فشارهای اجتماعی بر او تأثیر بگذارند.



تحلیل

این مقاله زندگی پنج مرد مختلف را به تصویر می کشد که برابری خواهی جنسیتی را در افغانستان اجرا می کنند. این پنج مرد توضیح می دهد که چگونه تربیت، منازعه، مهاجرت، مذهب، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، هنجارها و انتظارات جنسیتی و سایر عوامل با مردانگی ارتباط دارد و بر آن تاثیر می گذارد. این موارد همچنین نشان می دهد که جنسیت یک عنصر رابطه ای است، زیرا تعامل بین زن و مرد بر یکدیگر تأثیر می گذارد، و در نتیجه برداشت ها از مردانگی را شکل می دهد و متحول می سازد. از آنجا که این رفتارها آموختنی است، نقش ها و مسئولیت های جنسیتی نه تنها می توانند به چالش کشیده شوند، بلکه می توانند واسازی شده و رویه های برابری طلبانه جنسیتی جایگزین آن شوند.

این مقاله با استفاده از رویکرد سرگذشت نویسی، نشان می دهد که چگونه جنبه های خاصی از زندگی مردان در درک و عمل به نقش ها و مسئولیت های جنسیتی اثرگذار بوده است. مقاله همچنین نشان می دهد که مردانگی چگونه در طول زمان تغییر می کند، به ویژه در مواجهه با تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی، و تحت تاثیر سایر اشکال هویت مانند قومیت، منطقه، طبقه و وضعیت اقتصادی - اجتماعی. هر یک از افراد از دیگری متفاوت است و خود را در زمینه و تاریخچه خود می بیند. این امر کمک می کند بفهمیم چه چیزی در زندگی آنها و برداشت شان از جنسیت و روابط جنسیتی مهم است.

انتظاراتی که در جوامع مختلف وجود دارد در زمان ها و مکان های مختلف، متفاوت است. بین جوامع روستایی در ننگرهار، پنجشیر یا غزنی، در مقایسه با جوامع شهری مانند کابل، تفاوت های منطقه ای وجود دارد. از کسانی که به خارج از کشور مهاجرت می کنند نیز انتظارات متفاوتی وجود دارد، خواه به دلیل مهاجرت اجباری (ایران یا پاکستان) باشد، یا فرصت های شغلی و تحصیلی (هند). جوامع متنوع قومی-مذهبی در مناطق مختلف انتظارات متفاوتی را متوجه زن و مرد می سازد. به عنوان مثال، مناطق مختلف افغانستان به شیوه های مختلف و درجات گوناگون از منازعه و خشونت متاثر شده اند. در ننگرهار، عبدالکریم و خانواده اش به خاطر کار مادرش در وزارتخانه، تهدید به مرگ شدند. این انتظار در منطقه دیگری در افغانستان که شاهد شورش گری و حضور پرسنل نظامی افغان و ایالات متحده نیستند، متفاوت خواهد بود.

بزرگ شدن روح الله در یک قریه روستایی نمونه ای از نقش و مسئولیت های زن و مرد در دهه ۱۹۸۰ به دست می دهد. او روایت می کند که چگونه وقتی پدرشان مجاهد شد و در جنگ شوروی و افغانستان جنگید و وقتی به ایران مهاجرت کردند و سرانجام به افغانستان بازگشتند، این نقش ها و مسئولیت ها تغییر کرد. وضعیت وی به عنوان یک مهاجر در ایران و به عنوان فردی از قوم هزاره، مشارکت فعال پدرش در جنگ و وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده اش تنها برخی از عواملی است که با درک او از نقش ها و مسئولیت های جنسیتی ارتباط دارد و بر آن تأثیر می گذارد. مثال عبدالکریم نشان می دهد که انتقال از یک محیط شهری (کارته نو در کابل) به یک محیط روستایی (روستای آنها در ننگرهار) چگونه باعث تغییر در ایده آل های جنسیتی شد. او و خانواده اش با فشارهای اجتماعی روبرو بودند که نه تنها ناشی از مهاجرت به یک محیط روستایی بلکه تحت تاثیر جنگ نیز بود. آنها به دلیل تهدید شدن مادرش برای استعفا از سمت اش در وزارتخانه و سخت گیری شدید پدرش به دلیل مشکلات اخلاقی موجود در جامعه بر اثر جنگ، گرفتار اضطراب های جدیدی شدند. این مشکلات علاوه بر موقعیت پدرش در نظم سیاسی جدید در کشور به خاطر وابستگی وی به رژیم کمونیستی بود. تهدید به مرگ توسط گروه های مسلح مولود فضای نظامی و جنگ زده است که در آن اشکال جدیدی از زنانگی و مردانگی ساخته می شود. دیدن یک زن شاغل در انظار عمومی، صرف نظر از کار مهم وی به عنوان یک عضو اجتماع، غیرقابل قبول می شود.

نصیر و خانواده اش نیز همانند روح الله، مجبور به مهاجرت به ایران شدند که سبب تغییر نقش‌ها و مسئولیت‌های جنسیتی در خانواده وی شد. با این حال، برخلاف روح الله، وی به خاطر قومیت اش با تبعیض روبرو نبود. بلکه این وضعیت اقتصادی-اجتماعی او بود که در زندگی خانواده اش تعیین کننده بود، زیرا او در ایران در کنار پدرش در شغل کارگری با درآمد ناچیز کار می‌کرد. وقتی او و خانواده اش به افغانستان بازگشتند، او به فرصت‌های مختلفی دست یافت که در افغانستان پس از بن به وجود آمد، مانند معلم شدن در یک اکادمی نظامی.

نور احمد و محمد خان هر دو قبل از جنگ اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان در افغانستان زندگی می‌کردند، چیزی که در درک آنها از گذشته و جایگاه خودشان در آن، بسیار مهم است. نور احمد با نوستالژی زمانی را در روستای خود به یاد می‌آورد که به گفته خودش مردم سبک زندگی سنتی داشتند و روابط جنسیتی بین زنان و مردان بسیار مثبت بود. با این وجود، نور احمد اشاره می‌کند که تا زمان آمدن به کابل، نسبت به خواهرانش و بستگان زن سختگیر بود، اما در کابل به تدریج دیدگاه‌های او درباره روابط جنسیتی تغییر کرد. این قضیه در مورد محمد خان نسبتاً متفاوت است. او در کابل در خانه ای با چندین برادر بزرگ شده و شاهد روابط مثبت جنسیتی بین اعضای خانواده اش بود. او برداشت منفی از زنان و روابط جنسیتی را به پیامدهای دهه‌ها جنگ در کشور نسبت می‌دهد، زیرا روابط جنسیتی، به گفته وی، قبل از جنگ متفاوت بود.



نتیجه‌گیری

آنچه از [گفته‌های] این پنج مصاحبه‌شونده به دست می‌آید چگونگی فهم آنها از «مرد سنتی» و آرمان‌های مردانه است. نوع تربیت شرکت‌کنندگان بر نحوه شکل‌گیری روابط جنسیتی آنها در طی زمان و مکان اثر گذاشت. برای برخی از افراد، نوع تربیت موقعیت آنها را در ارتباط با رویه‌های برابری طلبانه جنسیتی تقویت کرد تا زمانی که در اوایل بزرگسالی به استقلال دست یافتند، در حالی که برای برخی دیگر، تجربیات کودکی و خانوادگی، آنها را برای پیشبرد رویه‌های برابری خواهی جنسیتی آماده کرد. تفاوت شرایط کودکی و خانوادگی مصاحبه‌شونده‌ها نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است مردان در روابط جنسیتی دیدگاه‌های مختلف داشته باشند، اما تحت تاثیر عوامل متعددی می‌تواند تغییر کند. به همین ترتیب، نظرات شرکت‌کنندگان در مورد روابط جنسیتی در محل کار نشان می‌دهد که فضای کار برای زنان در حال گسترش است، اما تغییرات نگرشی نیاز به کار بیشتری دارد تا توسط عموم مردم پذیرفته شود، مردمی که در برخی مواقع سریعاً به مساله «ناموس» اشاره می‌کنند. خشونت نیز از بین نرفته است، خصوصاً برای زنانی که تصمیم‌شان برای ادامه کار منجر به زیر سوال بردن شخصیت آنها توسط جامعه یا افرادی شده است که عقایدشان با اصول برابری خواهی جنسیتی مغایرت دارد. بیش از چهار دهه درگیری مسلحانه شرایط را برای مردان فراهم می‌کند تا زنان را به دلیل داشتن حرفه شغلی یا بیان عقایدشان با خشونت هدف قرار دهند.

بیش از چهار دهه درگیری مسلحانه بر مردان، زنان و کودکان تأثیر منفی گذاشته است. متمادی بودن درگیری فرار از واقعیت غم‌انگیزی که خشونت را ایجاد و عادی کرده است، دشوار می‌سازد. همه مصاحبه‌شوندگان خشونت را در زندگی‌شان تجربه کرده، شاهد آن بوده و اثرات آن را در زندگی‌شان حس کرده‌اند، از جمله ترس از دست دادن عزیزان‌شان و یا محرومیت خواهران و مادران‌شان از تحصیل یا شغل تحت حاکمیت طالبان. با این وجود، رویه‌های برابری طلبانه جنسیتی علی‌رغم این شرایط در زندگی آنها نمود یافته است و این نشانه مثبتی است از این که کار در این زمینه می‌تواند و باید انجام شود، حتی در میان خشونت و ناامنی مداوم.

عامل متمایزکننده دیگر این مردان که حامی اصول برابری خواهی جنسیتی‌اند و به آن عمل می‌کنند، خودآگاهی نسبی آنها در مورد تفاوت‌شان با سایر مردان در رابطه با مردانگی سنتی است. آنها نشان می‌دهند که مردان دیگر نه تنها در رویکردشان محافظه‌کار هستند، بلکه از پیشرفت اصول برابری خواهی جنسیتی، چه در رابطه با اعضای خانواده آنها یا دیگران، جلوگیری می‌کنند. از نظر مصاحبه‌شوندگان، کمک به همسران و دختران‌شان و ترویج رویه‌های برابری طلبانه جنبه مهمی از مردانگی آنها را تشکیل می‌دهد. آنها جنبه‌هایی از مردانگی سنتی یا هژمونیک را که به دنبال کنترل بدن و جنسیت زنان است به چالش می‌کشند. آنها همچنین خشونت، بدرفتاری و غفلت در پرورش فرزندان را نمی‌پذیرند. در عوض، ایده‌آل‌های مردانه را تفسیر مجدد و باز تعریف می‌کنند. این ایده‌آل‌ها، به گفته این پنج مرد مختلف، با فرهنگ افغانستان و اعتقادات مذهبی آنها سازگار است. به همین ترتیب، همه آنها مردانگی هژمونیک را درک می‌کنند اما در اراده خود برای مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی، خواه از سوی خانواده‌شان یا از کل جامعه، قاطع‌اند. بنا بر این، تاکید بر اهمیت ترویج اشکال مثبت مردانگی نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح خانواده و اجتماع، ضروری است. زنان و مردان افغان در خانواده‌های خود نقش خانوادگی متفاوتی را ایفا می‌کنند، و همین امر به ساختن هویت‌های اجتماعی بزرگ‌تر کمک می‌کند.

آنچه در مورد مرد بودن برای مصاحبه شونندگان مثبت است، ناشی از روابط اجتماعی مختلف در طول تربیت آنها است. از نظر روح الله، این تأثیر مثبت مادر و خواهر و تحصیلات دینی او بود. از نظر عبدالکریم، مادرش بود. از نظر نصیر هر دو پدر و مادر او بودند. از نظر نور احمد، مجموعه ای از تجربیات بود، از جمله انتقال از روستایی در پنجشیر به کابل. از نظر محمد خان، همسر وی بوده است. این مساله نشان می‌دهد که زندگی این مردان تنها جنبه‌های خاصی از دیدگاه برابری طلبانه جنسیتی را ندارد، بلکه روش‌های جدیدی برای مرد بودن خلق می‌شود، به ویژه در مواجهه با عدم ثبات که متضمن روش‌هایی برای برساختن، ساختار شکنی و تغییر مردانگی، در طی زمان و مکان است، به روش‌های مختلف برای مردان مختلف.

تنها با سهیم ساختن زنان و مردان در ابتکارات جنسیتی می‌توانیم در ایجاد روابط جنسیتی ماندگار و مثبت موفق شویم. با این حال، قابل یادآوری است که در انجام هر کاری برای ایجاد و تداوم جامعه‌ی با برابری جنسیتی بیشتر در افغانستان باید به این نکته توجه شود که زنان و مردان افغان هنوز در شرایط جنگ، درگیری و ناامنی مداوم زندگی می‌کنند که بر همه جنبه‌های زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. تغییرات مثبت در عرصه جنسیت در افغانستان باید ساختاری و دایمی باشد. این بدان معنی است که تغییرات باید همزمان و در چندین سطح (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و غیره) انجام شود؛ این امر مستلزم بررسی نابرابری‌های متقاطع است که به وفور یافت می‌شود. این تغییرات باید از نظر اجتماعی و سیاسی با نیازهای محلی، الزامات اجتماعی و فرهنگی سازگار باشد و همه مراجع ذی‌دخل را شامل شود. این تغییر باید به نیازها و آسیب‌پذیری‌های مردان، امتیازات آنها در برابر زنان، دختران و افراد با هویت جنسیتی دیگر، رسیدگی کند و مردانگی مثبت را ترویج کند که از عدالت جنسیتی حمایت می‌کند. سفارشات زیر در این مقاله با توجه به همین موضوع، ارائه شده است.



موضوعات پیشنهادی برای تحقیق بیشتر

موضوعاتی که در زیر برای تحقیقات بیشتر پیشنهاد شده است، بر اساس مطالعه مردان و مردانگی در افغانستان تهیه شده است. تحقیقات بیشتر روی مردان و مردانگی این ظرفیت را دارد که روش‌های برخورد مردان با تغییرات در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و محلی در فضای جنگ، ناامنی و تزلزل اقتصادی را توصیف کند. اجرای تحقیق همچنین به ما امکان می‌دهد روش‌های مختلفی را که مردان در انجام کارهای خانگی، مراقبت و اظهار مهربانی و عشق در خانواده و جامعه به کار می‌برد، ببینیم.

این کار از این جهت اهمیت ویژه دارد که کلیشه‌های غالب در مورد مردان افغان و مسلمان، آنها را به صورت تک بعدی، خشن و بی رحم نشان می‌دهد. تحقیقات بیشتر همچنین راه‌های مؤثر اجرای برنامه‌های آموزشی و در واقع، شروع گفتگو در مورد روابط جنسیتی، از جمله نگرش و رویه‌های مردان در زمینه مراقبت از فرزندان شان را نشان می‌دهد. همانطور که در بالا گفته شد، برخی از مردان آشکارا این مسئولیت را به عهده گرفته‌اند، لذا بجا است بررسی شود که چگونه می‌توان از تجربیات شخصی آنها برای طراحی برنامه‌هایی با هدف ارتقای رویه‌های برابری خواهانه جنسیتی استفاده کرد. این نمونه‌ها می‌تواند در برنامه‌های آموزشی رسمی در مکاتب و پوهنتون ها گنجانده شود، در پرتو بحث‌های محلی تعدیل شود، برای استفاده گسترده‌تر از طریق رسانه‌ها تدوین شود، و در رویه‌های کاری، از جمله در حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، شامل شود.

۱. سهم مثبت مشترک والدین در تربیت کودک می‌تواند تأثیرات ماندگاری بر نوع جامعه‌پذیری دختر و پسر داشته باشد. باید از تعامل مثبت پدران با فرزندان شان و مسئولیت مراقبت مشترک از سوی مکاتب و مربیان، بیشتر حمایت شود. جامعه مدنی، رسانه‌ها و گروه‌های مذهبی نیز می‌توانند با بیان این امر که نه تنها کودکان و زنان، بلکه مردان نیز از مزایای پدر بودن مستفید می‌شوند، نقش مسئولانه پدر را ترویج کنند.

۲. تدوین برنامه‌های آموزشی در مورد برابری جنسیتی در مکاتب و پوهنتون‌ها می‌تواند اهمیت این مباحث را برای پسران و مردان توضیح دهد. این برنامه‌ها باید فضای مناسبی برای ایجاد همدلی و صحبت در باره روابط جنسیتی، صمیمیت، منازعه مسلحانه و خشونت فراهم کند. این برنامه‌ها همچنین باید برابری بین جنسیت‌ها و روابط محترمانه غیر خشونت‌آمیز را ترویج کند و دشواری‌هایی را که پسران و مردان به دلیل نظم جنسیتی فعلی در افغانستان تجربه می‌کنند، به ویژه نقش شان به عنوان نان‌آور، محافظ و تصمیم گیرنده، برجسته سازد. اگرچه این مساله پیچیده است، زیرا برخی از مردان در چنین شرایطی رشد کرده‌اند، لازم است این پیچیدگی‌ها بررسی، تحلیل و بحث شوند.

۳. رسانه‌ها در نحوه شکل‌گیری مردانگی و زنانگی نقش حیاتی دارد. طرح ارتباطات جامع و به لحاظ فرهنگی تعدیل شده، باید به اثرات مردانگی هژمونیک در زندگی روزمره مردان در جامعه، پاسخ دهد. به این طریق، هم مردان و هم زنان بهتر می‌توانند سلسله مراتب جنسیتی را دوباره ارزیابی کنند و بدان بیندیشند و برابری بین جنسیت‌ها را به سود هر دو طرف ببینند. رسانه‌ها همچنان می‌توانند سهم مثبت مردان در حوزه خانگی و ایجاد توازن کار-زندگی برای هر دو جنس را آشکار سازند و مردانی را که الگوی مثبت برای پسران اند شناسایی کنند، با آنها همکاری و آنها را بشناسانند.

۴. فعالیت زنان محلی، هم در سطح جهانی و هم در افغانستان، از طریق ائتلاف با مردان، به پیشرفت‌های بزرگی رسیده است. فعالین حقوق زنان و سازمان‌های حقوق زنان باید برای ایجاد روابط برابرتر و کمتر خشونت‌آمیز بین دو جنس، یکجا با مردان در افغانستان کار کنند.

۵. ترویج الگوی مردان دارای عملکرد مثبت یا مردانی که در خانواده‌های شان، محیط کار و در سطح کلان تر در محل و جامعه از زنان پشتیبانی می‌کنند، می‌تواند برای نسل‌های جوان تر مردانی که از آنها به مثابه الگو و کارگزار تغییر در سطح محلی و ملی، پیروی می‌کنند، الهام بخش باشد.

- Abirafeh, Lina. "An Opportunity Lost? Engaging Men in Gendered Interventions: Voices from Afghanistan." *Journal of Peacebuilding and Development* 3, no. 3 (2007): 82-7.
- Abu-Lughod, Lila. *Do Muslim Women Need Saving?* Cambridge, MA: Harvard University Press, 2013.
- Ahmadi, Belquis, and Rafiullah Stanikzai. "Redefining Masculinity in Afghanistan." United States Institute of Peace, Peace Brief 243, 2018.
- Azarbaijani-Moghaddam, Sippi. "Afghan Women on the Margins of the Twenty-First Century." In *Nation-Building Unraveled: Aid, Peace and Justice in Afghanistan* edited by A. Donini, K. Wermeister and N. Niland, 95-116. Bloomfield, CT: Kumarian Press, 2004.
- Billaud, Julie. *Kabul Carnival: Gender Politics in Postwar Afghanistan*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press, 2015.
- Chioyenda, Andrea. *Crafting Masculine Selves: Culture, War, and Psychodynamics in Afghanistan*. Oxford: Oxford University Press, 2020.
- Chioyenda, Andrea. "Shaping a 'Different' Masculinity. Subjectivity, Agency and Cultural Idioms Amongst Afghan Pashtun Men." In *Reconceiving Muslim Men. Love and Marriage, Family and Care in Precarious Times*, edited by M. C. Inhorn and N. Naguib. New York: Berghahn Books, 2018.
- Chioyenda, Andrea. "'The War Destroyed Our Society': Masculinity, Violence, and Shifting Cultural Idioms among Afghan Pashtuns." In *Modern Afghanistan: The Impact of 40 Years of War* edited by M. N. Shahrani, 179-99. Bloomington, Indiana: Indiana University Press, 2018.
- Connell, R.W. "Change Among the Gatekeepers: Men, Masculinities, and Gender Equality in the Global Arena." *Journal of Women in Culture and Society* 30, no. 31 (2005): 1801-25.
- Connell, R.W., and J.W. Messerschmidt. "Hegemonic Masculinity: Rethinking the Concept." *Gender & Society* 19, no. 6 (2005): 829-59.
- Connell, R.W. *Masculinities*. Berkeley, CA: University of California Press, 2005.
- Daulatzai, Anila. "Acknowledging Afghanistan." *Cultural Dynamics* 18, no. 3 (2006): 293-311.
- Dolan, Chris. "Collapsing Masculinities and Weak States—A Case Study of Northern Uganda." In *Masculinities Matter! Men, Gender and Development*, edited by F. Cleaver. Durban: Zed Books, 2003.
- Echavez, Chona R., SayedMahdi Mosawi and Leah Wilfreda RE Pilongo. *The Other Side of Gender Inequality: Men and Masculinities in Afghanistan*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2016.
- Everitt-Penhale, Brittany and Kopano Ratele. "Rethinking 'Traditional Masculinity' as Constructed, Multiple, and Hegemonic Masculinity." *South African Review of Sociology* 46, no. 2 (2015): 4-22.
- Georgetown Institute for Women, Peace and Security (GIWPS) and Peace Research Institute Oslo (PRIO). *Women, Peace and Security Index 2019/20: Tracking Sustainable Peace through Inclusion, Justice, and Security for Women*. Washington, DC: GIWPS and PRIO, 2019.
- Hakimi, Aziz, and Torunn Wimpelmann. *Missing from the Picture: Men Imprisoned for 'Moral Crimes' in Afghanistan*. Bergen, Germany: Chr. Michelsen Institute, 2018.
- Hammer, J.H., and G.E. Good. "Positive Psychology: An Empirical Examination of Beneficial Aspects of Endorsement of Masculine Norms." *Psychology of Men and Masculinity* (2010): 303-18.

Human Rights Watch. “Unwelcome Guests: Iran’s Violation of Afghan Refugee and Migrant Rights.” 9 October 2017. www.hrw.org/report/2013/11/20/unwelcome-guests/irans-violation-afghan-refugee-and-migrant-rights (accessed 28 September 2020).

Marsden, Magnus. “Manly Merchants: Commerce, Mobility and Masculinity among Afghan Traders in Eurasia.” *Anthropology of the Middle East* 14 (2019): 55-76.

Myrtilinen, Henri. “Navigating Norms and Insecurity: Men, Masculinities, Conflict and Peacebuilding in Afghanistan.” Working Paper, International Alert and Peace Training Research Organisation, 2018.

Ratele, Kopano. “Contesting ‘Traditional’ Masculinity and Men’s Sexuality in Kwadukuza, South Africa.” *Royal Dutch Geographical Society* 108, no. 3 (2016): 331-44.

Richards, Paul. “Young Men and Gender in War and Postwar Reconstruction Some Comparative Findings from Liberia and Sierra Leone”. In *The Other Half of Gender: Men’s Issues in Development* edited by Ian Bannon, and Maria C. Correia, 142. Washington, DC: World Bank Group Publications, 2006.

Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR). “Afghan Women: Comprehensive Assessments Needed to Determine and Measure DOD, State, and USAID Progress.” SIGAR 15-24 Audit Report, December 2014.

Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR). “Promoting Gender Equity in National Priority Programs (Promote): USAID Needs to Assess This \$216 Million Program’s Achievements and the Afghan Government’s Ability to Sustain Them.” SIGAR 18-69 Audit Report, September 2018.

Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR). “Quarterly Report to the United States Congress”. SIGAR, October 2016.

Sommers, Marc. “Fearing Africa’s Young Men: Male Youth, Conflict, Urbanization, and the Case of Rwanda”. In *The Other Half of Gender: Men’s Issues in Development* edited by Ian Bannon, and Maria C. Correia, 142. Washington, DC: World Bank Group Publications, 2006.

Wimpelmann, Torunn, Aziz Hakimi and Masooma Sadaat. “‘He Should Learn That He Cannot Get a Woman for Free’: Male Elopers and Constructions of Masculinity in the Afghan Justice System.” *Men and Masculinities March* (2020): 1-18.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان میخواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این نهاد مستفید شود. شما چه خواننده دائمی انتشارات ما باشید، چه در یکی از ورکشاپ‌ها یا سخنرانی‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و یا جدیداً با این سازمان آشنا شده باشید. نظریات و پیشنهادات شما برای ما ارزشمند است. نظریات شما برای ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین وجه تعقیب نموده و یافته‌های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. سهل‌ترین راه برای ارائه پیشنهادات شما استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

شما نیز میتوانید هر نظری که دارید از طریق شماره ۷۹۹۶۰۸۵۴۸ (+۹۳) در میان بگذارید. اما بعضی اطلاعات که عمدتاً برای ما سودمند خواهند بود عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید. (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات و غیره)؟
- به چه منظور از تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را بدست می‌آورید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا نسخه چاپی؟
- چگونه انتشارات میتوانند اطلاعات را به شکل بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما در مورد روند تحقیقاتی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد‌های مورد علاقه شما در واحد تحقیق ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کار‌های را بهتر میتوانیم انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟
- عرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان؟

لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت www.areu.org.af قابل دسترسی اند و اکثر آنها به صورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود میباشند.

تاریخ	نام نشریه	نویسنده	موجود به زبان دری	موجود به زبان پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
اکتوبر ۲۰۲۰	همبستگی، توانایی و استواری مشارکت سیاسی زنان در افغانستان	انا لارسن، نواه کوبورن			جندر	مقاله تحلیلی
سپتامبر ۲۰۲۰	مشارکت زنان در پروسه صلح افغانستان: مطالعه موردی	شکریه آزادمنش، احسان الله غفوری	✓	✓	جندر	مطالعه موردی
سپتامبر ۲۰۲۰	منجنیق ها، پیکپ ها، و تانکرها: تولید و تجارت فرامرزی و شکل گیری اقتصاد سیاسی در مرزهای نیمروز	دیوید منسفیلد	✓	✓	حکومتداری و اقتصاد سیاسی	مقاله تحلیلی
جولای ۲۰۲۰	تردد قاطرها و وسایط نقلیه: تولید و تجارت فرامرزی و شکل گیری اقتصاد سیاسی ننگرهار	دیوید منسفیلد			حکومتداری و اقتصاد سیاسی	مقاله تحلیلی
جولای ۲۰۲۰	هشدار جنسیتی در مورد کوید ۱۹ در افغانستان: تاثیر کوید ۱۹ بالای زنانی که در کشت کوکنار مشغول اند				جندر	خبرنامه
جون ۲۰۲۰	وقتی آب خشک میشود: درحالی که وضعیت معیشت ۱,۵ میلیون مهاجر در دشت های جنوبغربی افغانستان رو به نابودی است، چه باید کرد؟	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله مختصر
می ۲۰۲۰	زون غذایی هلمند، توهم موفقیت	شهلا متین	✓		مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
می ۲۰۲۰	تعامل آبهای سطحی - زیرزمینی در حوضه دریایی کابل	نجیب الله سدید			مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
اپریل ۲۰۲۰	وقتی آب میخشکد: ظهور (و افول ناگزیر) دشت های جنوبغرب افغانستان و تاثیر آن بر مهاجرت، کوکنار و ثبات	دیوید منسفیلد		✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تلفیقی
اپریل ۲۰۲۰	تعامل آبهای سطحی - زیرزمینی در حوضه دریایی کابل	نجیب الله سدید			مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی

پالیسی نامه	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	داکتر انتونیو جیستوزی	آیا دولت افغانستان میتواند در منازعه بین کوچی ها و ساکنین موفقانه مداخله کند؟	مارچ ۲۰۲۰
مقاله مقدماتی	مصنوعیت اجتماعی			داکتر مینا رودریگو	تکنالوژی و کمک های بشردوستانه در افغانستان: استفاده از تکنالوژی برای جمع آوری اطلاعات و ارتباطات در شرایط نا امن	مارچ ۲۰۲۰
پالیسی نامه	حکومتداری و اقتصاد سیاسی			سراج الدین ایثار	مالیات، پیش شرط دولت سازی، مروری بر سیستم مالیاتی در افغانستان	جنوری ۲۰۲۰
مقاله اجمالی	جنسیت	✓	✓	نواه کوبورن و محمد حسن وقایی	خشونت علیه زنان در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۹۷ افغانستان	دسامبر ۲۰۱۹
مقاله تلفیقی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	داکتر دیوید منسفیلد	زون غذایی هلمند، توهم موفقیت	دسامبر ۲۰۱۹
مقاله تلفیقی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	داکتر انتونیو جیستوزی	منازعه کوچی - ده نشین در افغانستان کنونی	نوامبر ۲۰۱۹
مقاله اجمالی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	داکتر انتونیو جیستوزی	روند اسکان کوچی ها در افغانستان و تاثیر آن بر منازعه	سپتامبر ۲۰۱۹
مقاله معلوماتی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	دیوید منسفیلد	آفتاب با دو انگشت پنهان نمیشود: مواد مخدر غیر قانونی و بحث ها روی توافق سیاسی در افغانستان	می ۲۰۱۹
مقاله تحقیقی	قانون اساسی	✓	✓	داکتر شمشاد پسرلی، زلی مالیار	پارلمان افغانستان: وظایف و صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد آن بعد از سال ۲۰۰۱	می ۲۰۱۹
مقاله مقدماتی	مصنوعیت اجتماعی	✓	✓	تام شاه، احسان الله غفوری	زندگی با قرضه: محدودیت های قرضه غیر رسمی مصنوعیت معیشتی در ولایت هرات	مارچ ۲۰۱۹
مقاله تحلیلی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	انتونیو گیستوزی	نقش دولت در مدیریت کوچ نشینی و نزاع بین کوچی ها-ده نشین ها	جنوری ۲۰۱۹
مقاله تحلیلی	قانون اساسی	✓	✓	میرویس ایوبی، داکتر هارون رحیمی	سازمان و تشکیلات اداره عامه در پرتو قانون اساسی قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان	دسامبر ۲۰۱۸
مقاله تحلیلی	مدیریت منابع طبیعی	✓	✓	دیوید منسفیلد	خشک و دور از آب: کشت خشخاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان	نوامبر ۲۰۱۸
مقاله مقدماتی	حکومتداری و اقتصاد سیاسی	✓	✓	قیوم سروش	ارزیابی تاثیر EUPOL در اصلاحات پولیس افغانستان	می ۲۰۱۸

ISBN 978-9936-641-92-1



9 789936 641921



0093 79 960 8548



areu@areu.org.af



www.areu.org.af

